غدیر

در پرتو کتاب و سنت

دکتر مجید معارف

بسم الله الرحمن الرحیم

غدیر در پرتو کتاب و سنت

نویسنده:

مجید معارف

ناشر چاپی:

مشعر

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

غدیر در پرتو کتاب و سنت

مشخصات کتاب

سرشناسه : معارف، مجید، ۱۳۳۲ -

عنوان قراردادی : غدیر در پرتو کتاب و سنت .فارسی

عنوان و نام پدیدآور : غدیر در پرتو کتاب و سنت/ تالیف مجید معارف

مشخصات نشر : تهران: نشر مشعر، ۱۳۹۱.

مشخصات ظاهری : ۱۰۱ ص.

شابک : ۹۷۸-۹۶۴-۵۴۰-۴۳۱-۲

وضعیت فهرست نویسی : فیپا

یادداشت : کتابنامه: ص. [۹۱] - ۹۸؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع : علی‌بن ابی‌طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ق -- اثبات خلافت -- احادیث

موضوع : غدیر خم -- احادیث

موضوع : غدیر خم -- جنبه‌های قرآنی

رده بندی کنگره : BP۱۴۱/۵ /غ۴م۶۴۰۴۳ ۱۳۹۱

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۲۱۸

شماره کتابشناسی ملی : ۳۰۹۲۵۶۹

ص:۱

اشاره

ص:۲

ص:۳

ص:۴۰

ص:۵

ص:۶

ص: ۷

مقدمه

از شواهد قطعی بر امامت امیر مؤمنان علی علیه السلام که در قرآن و روایات بر آن تأکید شده است، واقعه غدیرخم می‌باشد. در این باره آیاتی در سوره مائده وجود دارد که به عقیده مفسران شیعه و نیز بسیاری از مفسّران اهل سنّت تطبیقی جز با ولایت و امامت علی علیه السلام ندارد. همچنین در تفسیر این آیات روایاتی در کتب حدیث و تفسیر شیعه و سنّی وارد شده که خلافت بلافصل علی علیه السلام را قطعی و مسلّم می‌کند؛ به گونه‌ای که برای حقیقت طلبان تردیدی در اولویّت علی علیه السلام نسبت به دیگران در تصدّی مقام خلافت باقی نمی‌گذارد. در این کتاب بر آنیم که با تکیه بر شواهد قرآنی و روایی به بررسی واقعه غدیرخم پرداخته و امامت علی علیه السلام را از این منظر مبرهن سازیم. قابل ذکر است که این اثر نخستین بار با عنوان «غدیر در آینه قرآن و روایات» و

ص: ۸

حجمی مختصر به وسیله انتشارات نبأ چاپ شده و به علّت استقبال علاقمندان، به دفعات منتشر گردید. و علاوه بر زبان فارسی متن آن به زبان انگلسی نیز ترجمه شد. و اینک به همّت معاونت آموزش و پژوهش بعثه مقام معظّم رهبری با تجدید نظر کلّی در مباحث کتاب به ویژه تقویت اسناد مطالب و روایات و افزودن مطالبی نو به مباحث پیشین و نیز اصلاح ساختار کتاب، به شکل کنونی ارائه می‌گردد. ضمن قدردانی از همه دست‌اندرکاران چاپ و انتشار این اثر، امید است که خداوند این خدمت را از آنان بپذیرد و همه ما را از موالیان اهل بیت علیهم السلام قرار دهد.

ومن اللَّه التوفیق

دانشگاه تهران- مجید معارف- زمستان ۱۳۸۶

ص: ۹

زمینه‌های تاریخی واقعه غدیر

زمینه‌های تاریخی واقعه غدیر

با حلول ماه ذی‌القعده سال دهم هجری، رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله تصمیم خود را جهت زیارت خانه خدا و ادای فریضه حج با مسلمانان در میان نهاد. این خبر به سرعت در شهر مدینه و اطراف آن منتشر گردید و علاوه بر آن به گوش مسلمانان دیگر که در نقاط مختلف عربستان زندگی می‌کردند رسید، به طوری که در اندک زمان هزاران نفر برای برگزاری فریضه حج در کنار رسول خدا صلی الله علیه و آله حاضر شدند.

در بیست و پنجم ذی‌القعده کاروان رسول خدا صلی الله علیه و آله با شمار زیادی از مسلمانان (۱) ۱ که مورخان تعداد آن‌ها را تا صد

۱- . مسلم در حدیثی از قول جابر بن عبداللَّه انصاری درباره حج رسول‌خدا صلی الله علیه و آله در سال دهم آورده است: «ثمّ أذّن فی الناس فی العاشرة؛ انّ رسول اللَّه صلی الله علیه و آله حاجّ. فقدم المدینة بشر کثیر. کلّهم یلتمس أن یأتمّ برسول اللَّه ویعمل مثل عمله.» نک: صحیح مسلم، ج ۲، ص ۸۸۶: باب حجّة النبی صلی الله علیه و آله ونیز بنگرید به سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۰۲۲- ۱۰۲۶ تاریخ الطبری، ج ۳، ص ۱۴۸

ص: ۱۰

هزار نفر و یا اندکی بیشتر ذکر کرده‌اند، از مدینه به قصد مکه خارج گردید. این عده غیر از کسانی بودند که از نقاط دیگر عربستان از جمله ساکنان مکه و آبادی‌های اطراف آن به حج‌گزاران ملحق شدند.

شیخ مفید در کتاب الارشاد آورده است:

پس از برخورد رسول خدا صلی الله علیه و آله با مسیحیان نجران و جریان مباهله، حجهٔالوداع به وقوع پیوست. اندکی قبل از این پیشامد، پیامبر صلی الله علیه و آله علی علیه السلام را به یمن فرستاد تا خمس گنجینه‌ها و معادن را از اهالی آنجا بگیرد و آنچه را که مسیحیان نجران- از حلّه و پول- متعهد شده بودند، دریافت کند. حضرت علی علیه السلام به محل مأموریت خود عزیمت کرد.

رسول خدا صلی الله علیه و آله به کس دیگری غیر از علی علیه السلام در این کار اعتماد نکرد و در میان مردم هیچ‌کس را شایسته این کار ندید. حضرتش علی علیه السلام را به عنوان نایب خود به این سفر گسیل داشت، زیرا درباره انجام مأموریتی که بر عهده‌اش گذاشته بود، آسوده خاطر بود.

در همین ایام رسول خدا صلی الله علیه و آله آهنگ حج نمود و پس از آن‌که جمعیت زیادی از مدینه و اطراف آن با پیامبر صلی الله علیه و آله همراه شدند، آن حضرت در بیست و پنجم ذی‌القعده از مدینه خارج گردید. همزمان با آن، رسول خدا صلی الله علیه و آله نامه‌ای به علی علیه السلام که در یمن به سر می‌برد فرستاد و به آن حضرت سفارش فرمود که از یمن به مکه آید، اما در مورد نوع حج

ص: ۱۱

خود و چگونگی نیت آن مطلبی برای علی علیه السلام مرقوم نفرمود.

به هر حال، رسول خدا صلی الله علیه و آله در جمع مسلمانان به سوی مکه به راه افتاد و حضرت علی علیه السلام نیز با سپاهی که همراهش بودند، از یمن به سمت مکه حرکت نمود.

حضرتش با نزدیک شدن به مکه، سپاه را به شخصی سپرد و خود جهت دیدار پیامبر صلی الله علیه و آله به سرعت روانه گشت به طوری که موفق شد قبل از ورود به مکه رسول خدا صلی الله علیه و آله را ملاقات کند و درباره سفر خود و حلّه‌ها و هدایایی که آورده بود گزارشی تقدیم نماید. رسول خدا صلی الله علیه و آله ضمن اظهار خرسندی از دیدار علی علیه السلام از او سؤال کرد که: ای علی، به چه نیتی احرام بستی؟ علی علیه السلام عرض کرد: ای رسول خدا صلی الله علیه و آله شما برای من ننوشته بودید که خود به چه نیتی احرام خواهید بست، من به نیت شما آگاه نبودم، از این رو به هنگام احرام و تلبیه نیتم را به نیّت شما پیوند زدم و عرضه داشتم: بار خدایا، من به همان نیّتی احرام می‌بندم که رسول تو بسته است (۱) ۲ و سی و چهار شتر نیز برای قربانی با

۱- . در خصوص وحدت نیّت علی علیه السلام با پیامبر صلی الله علیه و آله در حجّةالوداع بنگرید به‌صحیح بخاری، ج ۲، ص ۶۵۰، الکافی، ج ۴، ص ۲۴۶، تاریخ طبری، ج ۳، ص ۱۴۹؛ طبق پاره‌ای از روایات، پیامبر صلی الله علیه و آله از مدینه صد شتر به همراه آورد که از این تعداد ۳۴ رأس را به نیّت علی علیه السلام و ۶۶ رأس را به نیّت خود آورده بود. بنگرید به من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۵۳. سنن النبی، ج ۸، ص ۵۹، وسائل الشیعهٔ، ج ۸، ص ۱۶۴، تاریخ طبری، ج ۳، ص ۱۴۹ سیره ابن هشام، ج ۴، ص ۲۴۹

ص: ۱۲

خود آورده‌ام. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: اللّٰه‌اکبر! من شصت و شش شتر برای قربانی آورده‌ام. تو در حج و مناسک و انجام قربانی با من شریک هستی. اکنون بر احرام خود باش و به سوی لشکر باز گرد و آنان را سریعاً بیاور تا در مکه به هم ملحق گردیم.

رسول خدا صلی الله علیه و آله جهت انجام مناسک حج چند روزی در مکه به سر برد. آن‌حضرت در روز عرفه- و به روایتی در روز عید- خطبه‌ای در جمع مسلمانان ایراد فرمود که در آن همگان را به رعایت تقوای الهی، تعهد به ارزش‌های اخلاقی و مراعات حقوق یکدیگر سفارش نمود (۱) ۳. سپس تصمیم گرفت مکه را به قصد مدینه ترک گوید. فرمان حرکت صادر گردید و بار دیگر خیل عظیم مردم به همراهی پیامبر خود مکه را به قصد مدینه پشت سر گذاشتند. هنگامی که این کاروان عظیم به نزدیک جُحفه رسید، امین وحی الهی در نقطه‌ای به نام غدیرخم فرود آمد و این آیه را به رسول خدا صلی الله علیه و آله نازل کرد که:

«يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْکَ مِنْ رَبِّکَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُکَ مِنَ النَّاسِ إِنَ

۱- . جهت اطلاع از این خطبه بنگرید به صحیح مسلم، ج ۲، ص ۸۸۹- ۸۹۰ و سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۰۱۵ و ۱۰۱۶، تاریخ طبری، ج ۳، ص ۱۵۰- ۱۵۲. السیرةالنبویة معروف به سیره ابن هشام، ج ۴، ص ۲۵۰

ص: ۱۳

اللَّهَ لَایَهْدِی الْقَوْمَ الْکَافِرِینَ». (۱) ۴

یعنی: ای پیامبر! آنچه را از سوی پروردگارت نازل شده است، به مردم برسان. و اگر چنین نکنی، رسالت او را انجام نداده‌ای. و خداوند تو را از (خطرهای احتمالی) مردم حفظ می‌کند. خداوند جمعیت کافران را هدایت نخواهد کرد.

با نزول این آیه پیامبر صلی الله علیه و آله دستور داد که کاروان از حرکت باز ماند و با این فرمان، مسلمانان کسانی را که در پیشاپیش قافله در حرکت بودند، به بازگشت دعوت کردند و کسانی که در عقب بودند نیز به تدریج، به دیگران پیوستند.

هنگام ظهر فرا رسیده بود و هوا به شدت گرم بود؛ به طوری که مردم قسمتی از عبای خود را بر سر و قسمتی دیگر را به زیر پا افکندند. وقت نماز فرا رسید و پیامبر صلی الله علیه و آله به آنان اطلاع داد که همه باید برای شنیدن پیام تازه‌ای آماده شوند. در اینجا مسلمانان منبری از جهاز شتران ترتیب دادند و رسول‌خدا صلی الله علیه و آله بر بالای آن قرار گرفت و امیرالمؤمنین علیه السلام را نیز پیش خواند. او نیز بر آنها بالا رفت تا در طرف راست آن حضرت ایستاد. سپس خطبه‌ای برای مردم خواند. (۲) ۵

۱- . المائده: آیه ۶۷

۲- . ارشاد شیخ مفید، ج ۱، ص ۲۳۵- ۲۳۷، با اندکی تلخیص. و نیز بنگرید به: اعلام الوری، ج ۱، صص ۲۵۹- ۲۶۳؛ سیرة المصطفی، ص ۶۹۳: مبحث غدیرخم

ص: ۱۴

خطبه پیامبر صلی الله علیه و آله در غدیر خم

خطبه پیامبر (ص) در غدیر خم

علامه امینی در کتاب «الغدیر» با استفاده از مدارک معتبر، خطبه پیامبر صلی الله علیه و آله را در غدیرخم چنین گزارش کرده است: حمد و ثنا مخصوص خداست. از او یاری می‌طلبیم. و به او ایمان داریم. و بر او توکل می‌کنیم و از بدی‌ها و اعمال ناروای خود به او پناه می‌بریم. گمراهان را جز او راهنمایی نیست. و هر کس را که هدایت کرد، گمراه کننده‌ای برای او نخواهد بود. گواهی می‌دهم که معبودی جز او نیست و محمد صلی الله علیه و آله بنده و پیامبر اوست.

هان ای مردم! نزدیک است که دعوت حق را لبّیک گویم و از میان شما بروم. من مسئولم و شما نیز مسئولید، اینک اندیشه و گفتار شما درباره من چیست؟ در این هنگام مردم گفتند: گواهی می‌دهیم که تو رسالت خود را انجام دادی و برای ما کوشش نمودی. خداوند تو را پاداش نیک دهد ...

رسول خدا صلی الله علیه و آله پس از اندکی فرمود: همانا من در انتقال به سرای دیگر بر شما سبقت خواهم گرفت، اما دو چیز گرانمایه در میان شما می‌گذارم. بیندیشید که با این دو چیز چگونه رفتار می‌نمایید.

در اینجا یک نفر از میان جمعیت گفت: یا رسول اللّه، منظور از آن دو چیز گرانبها و ارجمند چیست؟

ص: ۱۵

رسول اسلام صلی الله علیه و آله فرمود: یکی کتاب خدا که بزرگتر است و وسیله ارتباط شما با خداوند است و آن دیگر که کوچکتر است، عترت و اهل بیت من است. و خداوند به من خبر داده است که این دو از هم جدا نمی‌شوند تا در کنار حوض بر من وارد شوند. هان ای مردم! از آن دو پیشی نگیرید و از پیروی از هر دو کوتاهی نکنید که هلاک خواهید شد. در این هنگام پیامبر صلی الله علیه و آله دست علی علیه السلام را گرفت و بالا برد به طوری که زیر بغل هر دو نمایان گردید. پیامبر صلی الله علیه و آله مسلمانان را به این صورت مورد خطاب قرار داد که:

«ایّهاالنّاس! من اولی النّاس بالمؤمنین من انفسهم؟»

یعنی: ای مردم چه کسی از مردم به مؤمنان از خود آن‌ها سزاوارتر است؟ گفتند: خدا و رسولش داناترند. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: همانا خداوند مولای من و من مولای مؤمنان هستم و من بر آنان از خودشان سزاوارترم. سپس فرمود:

«من کنت مولاه فهذا علی مولاه، اللهمّ وال من والاه و عاد من عاداه وانصر من نصره واخذل من خذله ...».

یعنی: هر کس که من مولای اویم، علی مولای اوست.

خداوندا، دوستان او را دوست بدار و دشمنان او

ص: ۱۶

را دشمن بدار. محبوب بدار آن کس را که او را محبوب دارد و مبغوض دار آن کس که او را مبغوض دارد. یارانش را یاری کن و واگذارندگان او را واگذار.

سپس فرمود:

«الا فلیبلّغ الشاهد الغائب».

یعنی: آگاه باشید حاضران بایستی این امر را به غایبان برسانند.

هنوز جمعیت پراکنده نشده بودند که بار دیگر جبرئیل نازل گشت و این آیه را بر پیامبر صلی الله علیه و آله فرود آورد که:

«الْیَوْمَ أَکْمَلْتُ لَکُمْ دِینَکُمْ وَأَتْمَمْتُ عَلَیْکُمْ نِعْمَتِی وَرَضِیتُ لَکُمُ الْإِسْلَامَ دِیناً». (۱) ۶

امروز آیین شما را کامل کردم و نعمت خود را بر شما تمام نمودم و اسلام را به عنوان دین شما برایتان پسندیدم.

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله با نزول این آیه فرمود: «اللّٰه‌اکبر بر اکمال دین و اتمام نعمت و خشنودی خدا به رسالت من و ولایت علی بعد از من.»

۱- . المائده: آیه ۳

ص: ۱۷

در این هنگام مردم نزدیک شدند و به علی علیه السلام به جهت این مقام و منزلت تهنیت گفتند. از جمله کسانی که قبل از دیگران به علی علیه السلام تبریک گفتند ابوبکر و عمر بودند که گفتند: گوارا باد تو را ای پسر ابوطالب که مولای ما و مولای هر مرد و زن مؤمنی گشتی!

سپس حسّان‌بن ثابت از پیامبر صلی الله علیه و آله اجازه خواست که در این باره شعری بگوید. پیامبر صلی الله علیه و آله به او اجازه فرمود و او اشعاری سرود که ترجمه قسمتی از آن به شرح زیر است:

- پیامبر صلی الله علیه و آله به آنان در روز غدیر ندا داد. و چه سزاست ندای پیامبر صلی الله علیه و آله را شنیدن.
- فرمود: مولای شما و پیامبر شما چه کسی است؟ و آن‌ها بدون چشم‌پوشی و اغماض گفتند که:
- خدای تو مولای ماست و تو پیامبر مایی. و ما از پذیرش ولایت تو سرپیچی نخواهیم کرد.
- پیامبر صلی الله علیه و آله به علی فرمود: برخیز؛ زیرا من تو را بعد از خودم امام و رهبر انتخاب کرده‌ام.
- و سپس فرمود: هر کس که من مولا و رهبر اویم، این مرد مولا و رهبر اوست، شما هم از سر صدق و راستی از او پیروی کنید.
- در این هنگام پیامبر صلی الله علیه و آله عرض کرد: بار خدایا، دوست او را دوست بدار و دشمن او را دشمن بدار ...

ص: ۱۸

پس از آن‌که حسّان‌بن ثابت شعر خود را سرود، رسول خدا صلی الله علیه و آله جمله معروف خود را درباره حسّان به زبان آورد که: «تا وقتی که با زبان خود ما را یاری می‌کنی روح‌القدس مویّد تو است» (۱) ۷.

پس از پایان مراسم تعیین جانشین در سرزمین غدیرخم، مسلمانان برخاستند و هر گروه و دسته‌ای به جانب مقصدی روانه گشت. پیامبر صلی الله علیه و آله و عده زیادی که از مدینه به همراه آن حضرت آمده بودند نیز راه مدینه را در پیش گرفتند به طوری که هنوز سال دهم به پایان نرسیده بود وارد مدینه شدند. و چندی بعد رسول خدا صلی الله علیه و آله به بستر بیماری افتاد که به رحلت آن سرور انجامید، در صورتی که اندکی قبل از آن تکلیف جانشین و رهبریِ پس از خود را تعیین کرده بود.

۱- . برای اطلاع بیشتر از اصل واقعه غدیر در تاریخ اسلام و نیز اطلاع از خطابه رسول خدا صلی الله علیه و آله در آن روز- به اجمال یا تفصیل- بنگرید به مسند احمد بن حنبل احادیث به رقم‌های ۶۴۱، ۹۵۰، ۹۶۱، ۹۶۴، ۱۹۴۹۴، ۱۸۶۷۱، خصائص نسایی، ص ۲۶، و ۱۱۷ احادیث به رقم‌های ۹ و ۷۹، مستدرک حاکم، ج ۳، ص ۳۲۳، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۰۱ اسدالغابه ابن اثیر جزری، ج ۳، ص ۶۰۵، تفسیر قمی، ج ۱، ص ۱۷۴ – ۱۷۵، ارشاد مفید، ج ۱، ص ۲۳۵ – ۲۴۲، سیرة المصطفی، ص ۶۹۳ به نقل از مصادر گوناگون اهل سنّت، تفسیر صافی، ج ۲، ص ۴۴۷- ۴۶۶ به نقل از الاحتجاج والغدیر، ج ۱، ص ۳۱- ۳۴ با ترجمه فارسی

ص: ۱۹

بررسی‌هایی درباره واقعه غدیر خم

۱: جایگاه واقعه غدیر در منابع اسلامی.

آنچه در ماجرای غدیرخم قابل توجه است، نزول دو آیه از قرآن کریم درباره این واقعه بزرگ است. این آیات، آیه ۶۷ از سوره مائده معروف به «آیه تبلیغ» و آیه سوم از همین سوره معروف به «آیه اکمال» است. با توجه به این دو آیه، بحث غدیر وارد حوزه تفسیر شده و توجیهات مختلفی را از سوی مفسران شیعه و سنّی به وجود آورده است. علاوه بر آن، واقعه غدیر عرصه منابع حدیثی، تاریخی، کلامی و حتی ادبی را در نوردیده و جایگاه وسیعی را در این منابع به خود اختصاص داده است. مطابق تحقیقات علامه امینی، ۱۱۰ نفر در طبقه اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله (۱) ۸ و ۸۴ نفر در طبقه تابعین (۲) ۹- که شاگردان صحابه بوده‌اند- به نقل این واقعه پرداخته‌اند. و علاوه بر آن ۳۶۰ تن از دانشمندان اسلامی در قرن‌های مختلف واقعه غدیر را به شکل مفصّل یا مختصر در کتاب‌های خود آورده‌اند. (۳) ۱۰ طبقه دیگری که به این رویداد تاریخی توجه کرده‌اند، شعرا و نویسندگان بوده‌اند که در هر عصر و زمان با الهام از

۱- . الغدیر، ج ۱، ص ۴۰- ۱۱۲

۲- . همان جا، ج ۱، ص ۱۱۳- ۱۲۸

۳- . الغدیر، ج ۱، صص ۱۲۹- ۲۴۰

ص: ۲۰

این واقعه، زیباترین قطعه‌های ادبی و قصاید خود را سروده و آن‌ها را به ارمغان تاریخ گذاشته‌اند. و مرحوم علّامه امینی در مجلّدات مختلف الغدیر به تناسب هر قرن نمونه‌هایی از اشعار و قصائد غدیریه‌سرایان را آورده است. از این جهت می‌توان گفت: کمتر واقعه تاریخی در جهان بسان رویداد «غدیر» مورد توجه طبقات مختلف از محدّث و مفسّر و از متکلّم و فیلسوف، از خطیب و شاعر و از مورّخ و سیره‌نویس قرار گرفته و این اندازه به آن عنایت شده است.

چنان‌که گذشت یکی از علل ابدیت و جاودانی بودن این حدیث، نزول دو آیه از آیات قرآن پیرامون این واقعه است. و تا روزی که قرآن ابدی و جاودانی است، واقعه غدیر نیز ابدی بوده و از خاطره‌ها محو نخواهد شد (۱) ۱۱.

دلیل دیگر در زنده بودن این واقعه تاریخی، بزرگداشت سالروز این واقعه به عنوان یکی از اعیاد اسلامی در بین مسلمانان است. بسیاری از دانشمندان اسلامی از جمله ابن‌خلکان در «وفیات الاعیان» و ابوریحان بیرونی در «آثار الباقیه» عید غدیر را از جمله عیدهایی بر شمرده‌اند که همه مسلمانان بر پا می‌داشتند و جشن می‌گرفتند. (۲) ۱۲ علاوه بر کسانی که در منابع حدیثی، تفسیری، تاریخی

۱- . فرازهایی از تاریخ اسلام، ص ۵۱۴

۲- . همان، ص ۵۱۵

ص: ۲۱

و کلامی به بحث درباره واقعه غدیر پرداخته‌اند، تعداد ۲۶ نفر از دانشمندان اسلامی کتب مستقلی در این باره تألیف کرده‌اند که نام آن‌ها و خصوصیات آثارشان در جلـد نخست کتاب الغـدیر آمـده است. (۱) ۱۳ نخستین کتـاب از این مجموعه کتـاب «الولایـهٔ فی طریق حدیث الغدیر» متعلّق به ابوجعفر محمّد بن جریر بن یزید خالد طبری آملی (م ۳۱۰) بوده که در آن حدیث غدیر را از هفتاد و چنـد طریق در کتـاب خود نقـل کرده است. (۲) ۱۴ اما بـدون تردیـد جامع‌ترین اثری که درباره واقعه غـدیرخم تألیف شـده، کتاب «الغدیر» است که به قلم محقق بزرگ شیعه آیت اللّه عبدالحسین امینی نگارش یافته است؛ به طوری که مطالعه این کتاب و تأمّل در مباحث گوناگون آن حجت را بر هر خواننده‌ای در موضوع ولایت و جانشینی علی علیه السلام تمام می‌کند.

۲- بازتاب واقعه غدیر در تفاسیر قرآن

۲- ۱- تفاسیر شیعه

اشاره

مفسّران شیعه در ذیل تفسیر آیات «تبلیغ» و «اکمال دین» این دو آیه را با امامت علی علیه السلام منطبق دانسته و در این خصوص مباحث متنوّعی را درج کرده‌اند. در این مباحث هم به روایاتی که از ناحیه پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان مذهب از

۱- . الغدیر، ج ۱، ص ۱۴۱- ۱۴۸

۲- . همان، ج ۱، ص ۱۴۱ و نیز تهذیب التهذیب، ج ۷، ص ۲۹۷

ص: ۲۲

طریق فریقین وارد شده، استناده شده است و هم به شیوه کلامی استدلال‌هایی در اثبات امامت علی علیه السلام آورده شده است، به طوری که ارتباط هر دو آیه با امامت علی علیه السلام مبرهن می‌شود.

به عنوان مثال در تفسیر عیّاشی که از قدیمی‌ترین تفاسیر شیعه بوده و رنگ روایی دارد چندین روایت در ارتباط آیات تبلیغ و اکمال دین با ولایت و رهبری علی علیه السلام نقل شده است. از جمله در یکی از این روایات از قول ابن‌عباس و جابربن عبداللّه انصاری آمده است که:

«خداوند به پیامبر صلی الله علیه و آله فرمان داده بود که علی علیه السلام را به جانشینی خود منصوب و مردم را از ولایت او باخبر سازد، اما پیامبر صلی الله علیه و آله نگران بود که مردم بگویند او از پسر عموی خود حمایت کرده و در نتیجه سر به طغیان گذارند؛ تا آن‌که خداوند آیه: «یَا أَیُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَیْکَ مِنْ رَبِّکَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ یَعْصِمُکَ مِنَ النَّاسِ ...» را نازل ساخت و پس از آن پیامبر صلی الله علیه و آله در روز غدیر خم ولایت علی علیه السلام را اعلام فرمود» (۱) ۱۵.

مفسر بزرگ اسلام مرحوم طبرسی پس از نقل همین روایت در تفسیر مجمع‌البیان می‌نویسد: «این روایت را به همین شکل حاکم ابوالقاسم حسکانی در کتاب

۱- . تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۳۶۰

ص: ۲۳

«شواهدالتنزیل» ذکر کرده است. و علاوه بر آن ثعلبی در تفسیر خود این حدیث را با سندی که به ابن‌عباس می‌رسد، آورده است» (۱) ۱۶.

طبرسی سپس می‌افزاید: «روایات وارده درباره حدیث غدیر از امام باقر و امام صادق علیهما السلام در حدّ شهرت (وتواتر) است و حاصل این روایات آن‌که: رسول خدا صلی الله علیه و آله نگران بود که اعلام جانشینی علی علیه السلام برای عده‌ای از اصحاب امری سنگین و غیر قابل تحمل باشد؛ تا آن‌که خداوند این آیه (آیه تبلیغ) را نازل ساخت و در آن رسول خود را ترغیب و دلگرم ساخت که به این کار اقدام کند. بنابراین مفهوم آیه چنین می‌شود که: اگر تبلیغ آنچه را بر تو نازل شده ترک کنی و آن را پنهان بداری، گویی- از جهت مستحق عقوبت و مجازات شدن- چیزی از پیام‌های پروردگارت را نرسانده باشی» (۲) ۱۷.

پس از آن‌که رسول خدا صلی الله علیه و آله رسالت خود را در معرفی علی علیه السلام به جانشینی خود به پایان برد آیه: «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتْمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلامَ دِيناً» (۳) ۱۸ نازل گردید. عیّاشی در ذیل همین آیه روایتی از

۱- . مجمع البیان، ج ۳، ص ۳۴۴ و نیز نک: شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۱۸۷- ۱۹۳ در روایات مختلف

۲- . مجمع البیان: ج ۳، ص ۳۴۴

۳- . المائده: آیه ۳

ص: ۲۴

امام باقر علیه السلام نقل کرده است که در آن به زراره فرمود:

«آخرین فریضه و امر واجبی که خداوند نازل کرد ولایت علی‌بن ابی‌طالب علیه السلام بود. و سپس این آیه نازل گشت که: «الْیَوْمَ أَکْمَلْتُ لَکُمْ دِینَکُمْ».

و بعد از این موضوع خداوند فریضه‌ای نازل نکرد تا آن‌که رسول خدا صلی الله علیه و آله از دنیا برفت» (۱) ۱۹.

طبرسی نیز به نقل از منابع اهل سنت همین مطلب را از قول ابوسعید خُدری نقل کرده و به دنبال آن افزوده است که با نزول آیه اکمال، رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«اللّهاکبر علی اکمال الدین و اتمام النعمهٔ و رضا الرّب برسالتی و ولایهٔ علی بن ابی‌طالب من بعدی» (۲) ۲۰.

۲- ۱- ۱- نکات مهم و قابل توجه در تفسیر آیه تبلیغ

به عقیده مفسران شیعه (۳) ۲۱ در آیه تبلیغ نکات مهمی وجود دارد که ارتباط این آیه را با موضوع جانشینی علی علیه السلام قطعی و مسلم می کند. برخی‌ازاین‌نکات عبارتند از:

۱- . تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۳۲۱

۲- . مجمع البیان، ج ۳، ص ۲۴۶

۳- . برای اطلاع بیشتر از این نکات بنگرید به: مجمع البیان، ج ۳، ص ۳۴۴، جوامع الجامع، ج ۱، ص ۳۵۰، تفسیر المیزان، ج ۶، صص ۴۲- ۵۲؛ التفسیر الکاشف، ج ۳، ص ۹۶- ۹۹؛ پیام قرآن، ج ۹، ص ۱۹۰، تفسیر هدایت، ج ۲، ص ۳۶۷- ۳۶۹؛ بررسی شخصیت اهل بیت علیهم السلام در قرآن، ص ۱۳۱

ص: ۲۵

الف- در آیه تبلیغ به مسأله مهمی اشاره شده است که اگر پیامبر صلی الله علیه و آله آن را به گوش مردم نرساند، رسالت پروردگار را ابلاغ نکرده است. (۱) ۲۲ و به عبارت دیگر این مسأله چیزی معادل اصل نبوت و رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله بوده است که در صورت عدم ابلاغ آن اصل رسالت ناقص می‌شده است. (۲) ۲۳ چرا که می‌فرماید: «وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ».

یعنی: اگر این کار را نکنی رسالت او را ادا نکرده‌ای.

ب- این مسأله چیزی از قبیل نماز، روزه، حج و سایر عبادات اسلامی و یا اعتقادات دینی مثل توحید و معاد نبوده است. زیرا آیه تبلیغ در سوره مائده قرار دارد و سوره مائده در شمار آخرین سوره‌هایی است که بر رسول خدا صلی الله علیه و آله نازل گردید و حتی طبق برخی از روایاتی که در تفاسیر شیعه و سنّی آمده است، آخرین سوره‌ای است که بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شد (۳) ۲۴ و تا این تاریخ برای مردم علاوه بر معرفی اصول اعتقادی مانند توحید، نبوت و معاد، تمام احکام عبادی و مسائل حلال و حرام نیز نازل شده و به مردم ابلاغ گردیده بود. به‌طوری که بعدها عایشه در حدیثی خطاب به مسروق گفت: «اگر کسی برای تو نقل کند

۱- . التفسیر الکاشف، ج ۱، ص ۹۶

۲- . همان، ج ۱، ص ۹۷، جوامع الجامع، ج ۱، ص ۳۵۰

۳- . از جمله بنگرید به تفسیر تبیان شیخ طوسی، ج ۱، ص ۴۱۳؛ تفسیرالقرآن العظیم، ج ۲، ص ۸۱

ص: ۲۶

که محمـد صـلی الله علیه و آله حکمی از آنچه خـدا بر او نازل کرده است را کتمان ساخته، او دروغ گفته است.» (۱) ۲۵ ج- مسأله مـورد نظر در آیـه تبلیغ، مسألهای خطیر بـوده اسـت؛ به‌گـونهای کـه رسـول خـدا صـلی الله علیـه و آله در ابلاـغ آن واهمه داشت و نگرانی‌ها و ملاحظاتی را مدّ نظر قرار داده بود. لذا خداوند با پیام: «... وَاللَّهُ یَعْصِمُکَ مِنَ النَّاسِ»، حمایت خود را از پیامبر صـلی الله علیه و آله اعلام نمود و در ابلاغ آن مسأله از سوی حضرتش دستور قطعی داد.

د- کسانی که رسول خدا صلی الله علیه و آله نگران مخالفت و احتمالًا شورش آن‌ها بوده است، مشرکان قریش نبوده‌اند. چرا که در این زمان، پیامبر صـلی الله علیه و آله بر جزیرۀالعرب سـیطره داشت و با برچیده شدن بت‌پرستی در سال هشـتم هجری، دیگر اثری از نفوذ و قـدرت مشـرکان بر جای نمانـده بود. و نیز آنان، مخالفان پیامبر صـلی الله علیه و آله از اهل کتاب نبوده‌انـد. چرا که در پایان عمر رسول خدا صلی الله علیه و آله اهل کتاب نیز قدرت و نفوذی در عربستان نداشتند؛ به‌خصوص که یهودیان در نبردهای مختلف خود با مسلمانان قلع و قمع شدند و نفوذ آن‌ها از عربستان برچیده شد (۲) ۲۶.

بنابراین مصداق «ناس» در عبارت قرآنی: «وَاللَّهُ یَعْصِمُکَ مِنْ النَّاسِ»، کسانی جز منافقان درون جامعه

۱- . تفسیر القرآن العظیم، ج ۲، ص ۸۰

۲- . در این باره در مباحث بعد بحث بیشتری از نظر خواهد گذشت

ص: ۲۷

اسلامی نبوده‌اند که با حسّاسیت فراوان تحوّلات اجتماعی را دنبال کرده و نگران رهبری جامعه اسلامی پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله بوده‌اند و پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در معرفی علی علیه السلام به جانشینی خود، به‌طوری که خواهد آمد از مخالفت گروه دیگری غیر از آنان واهمه نداشته است.

ه- با توجه به نکات فوق روشن می‌شود که تنها مسأله مهم که ابلاغ آن تا آن زمان به صورت همگانی و علنی صورت نگرفته بود، مسأله ولایت و رهبری امت اسلامی پس از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و معرفی مصداق آن یعنی علی علیه السلام بوده است که حسّاس‌ترین قضیه در آن شرایط بود.

و از آنجا که امامت و رهبری، اصلی در طول نبوت و رسالت به شمار می‌رود، خدای متعال به رسول خود صلی الله علیه و آله اخطار نمود که:

«وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ».

و پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله با مقدمه‌های مناسبی که در حدیث غدیر وجود دارد- مثل: «ایّها النّاس من اولی الناس بالمؤمنین من انفسهم» (۱) ۲۷ به انجام رسالت الهی خود مبادرت ورزید.

۱- . صورت‌های گوناگون این حدیث را بنگرید در: مسند احمدبن حنبل‌به رقم‌های ۶۴۱، ۹۵۰، ۹۶۴ و .. مستدرک حاکم، ج ۳، ص ۳۲۳، خصائص نسایی به رقم‌های ۹ و ۷۹، اسد الغابهٔ، ج ۳، ص ۶۰۵ و ..

ص: ۲۸

و- و آخرین نکته آن‌که: به تناسب آیه تبلیغ که در آن خداوند می‌فرماید: «وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ ...».

پس از آن‌که رسول خدا صلی الله علیه و آله علی علیه السلام را به جانشینی خود معرفی نمود، آیه: «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتْمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلامَ دِيناً»، نازل گردید که نشان می‌دهد پیامبر صلی الله علیه و آله بدون واهمه به ابلاغ اوامر الهی اقدام نمود و با ابلاغ آخرین فریضه الهی (۱) ۲۸ مسأله کمال دین و تمام شدن نعمت‌های الهی به مسلمانان در همان حیات پیامبر صلی الله علیه و آله تحقق یافت.

۲- ۲- تفاسیر اهل سنّت

اشاره

مفسّران اهل سنّت در تفسیر آیه تبلیغ بر دو مطلب بیشتر تأکید کرده‌اند که عبارتند از:

الف- آیه تبلیغ در مکه و در ابتدای دعوت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نازل گردید و هدف از نزول آن، ترغیب رسول‌خدا صلی الله علیه و آله به ابلاغ آیات و احکام الهی به مشرکان بوده است. و با توجه به سیطره کفار و مشرکان در مکه، خداوند به

۱- . امام باقر علیه السلام می‌فرماید: فرائض الهی یکی پس از دیگری نازل‌می‌شد و آخرین فریضه، امر ولایت بود که خداوند درباره آن نازل فرمود: «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتْمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي». امام علیه السلام سپس اضافه کرد: در واقع خداوند می‌فرماید: بعد از این، واجب و فریضه دیگری نازل نخواهم کرد چون (نزول) واجبات را برای شما کامل ساختیم. بنگرید به الکافی، ج ۱، ص ۲۸۹ تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۳۲۲

ص: ۲۹

رسول خود صلی الله علیه و آله وعده داد که او را از شرّ دشمنانش حفظ کند.

ب- آیه تبلیغ در مدینه نازل شده و با نزول آن رسول گرامی صلی الله علیه و آله موظف گردید که حقایق اسلام را بدون واهمه به اهل کتاب ابلاغ کند. خدای متعال نیز وعده فرمود که پیامبر خود را از کید یهود و نصارا حفظ نماید.

قابل ذکر است که علاوه بر این دو نظر، احتمالات دیگری نیز در تفاسیر اهل سنت آمده است که اکثر آن‌ها بر نزول آیه تبلیغ در مدینه دلالت می‌کند. (۱) ۲۹ به عنوان مثال فخر رازی در تفسیر آیه تبلیغ ده احتمال را ذکر کرده و از جمله در احتمال دهم می‌نویسد: «این آیه در فضیلت علی‌بن ابی‌طالب علیه السلام نازل گردید و پس از نزول آن، پیامبر صلی الله علیه و آله دست علی را گرفت و فرمود:

«من کنت مولاه فهذا علی مولاه. اللّهمّ وال من والاه و عاد من عاداه».

در اینجا بود که عمر با علی علیه السلام ملاقات کرد و گفت: ای پسر ابوطالب! این مقام گوارای تو باد که مولای من و مولای هر مرد و زن مؤمنی شدی». فخر رازی سپس ادامه داده است: «این مطلب از ابن‌عباس، بَراءبن عازب و محمدبن علی امام باقر علیه السلام روایت شده است (۲) ۳۰.

فخر رازی پس از آن نظر انتخابی خود را به این صورت

۱- . تفسیر معالم التنزیل، ج ۲، ص ۵۱- ۵۲

۲- . تفسیر مفاتیح الغیب، ج ۱۲، ص ۵۰

ص: ۳۰

ذکر کرده است: «روایات و نظرات در باب آیه تبلیغ گرچه فراوان است. اما اولی آن است که بگوئیم خداوند پیامبر خود را از مکر یهود و نصارا در امان نگه داشت و به او فرمان داد تا بدون واهمه به تبلیغ حقایق دینی بپردازد. دلیل این نظر آن است که آیات قبل و بعد از آیه تبلیغ درباره اهل کتاب است و بعید است که این آیه از نظر موضوع از آیات قبل و بعد از خود منقطع و بیگانه باشد» (۱) ۳۱.

از مفسران دیگر که درباره آیه تبلیغ سخن رانده است، شیخ محمد عبده در تفسیر المنار است. او برخلاف فخر رازی معتقد است که آیه تبلیغ در مکه نازل گشت و هدف از نزول آن ابلاغ فرامین و احکام الهی به مشرکان بوده است. سخن صاحب تفسیر المنار چنین شروع می‌شود:

«آنچه به ظاهر از آیه تبلیغ به ذهن متبادر می‌شود آن‌که رسول خدا صلی الله علیه و آله در اوایل دعوت خود مأمور گردید که اسلام را در بین عموم مردم تبلیغ کند؛ چنان‌که مفسران، خصوصاً در تفاسیر روایی به این مطلب تصریح کرده‌اند. اگر این فرض صحیح نباشد، احتمال دارد مراد از آیه، ابلاغ حقایق اسلام به اهل کتاب باشد؛ اهل کتابی که در آیات بعد سخن از آنان رفته است. گویی که خداوند فرموده است: «بلّغ ما انزل الیک فی شأن اهل الکتاب». (۲) ۳۲

۱- . تفسیر مفاتیح الغیب، ج ۱۲، ص ۵۰

۲- . تفسیر المنار، ج ۶، ص ۴۶۷

ص: ۳۱

قابل توجه است که بسیاری از مفسّران اهل سنّت- همانند فخر رازی- در تفسیر آیه تبلیغ به طرح ماجرای غدیرخم پرداخته و این جریان را به عنوان یک واقعه تاریخی تأیید می‌کنند، اما در عین حال تلاش کرده‌اند که اولًا: رابطه آیه تبلیغ را با ماجرای غدیرخم مورد انکار قرار دهند. و ثانیاً: در حدیث: «من کنت مولاه فهذا علی مولاه» مولی را به معنی دوست و یاور تفسیر کنند (۱) ۳۳.

و چنان‌که می‌دانیم این عقیده، دیدگاه اکثر علمای اهل سنت است که بدون آن‌که به نفی ماجرای غدیر خم بپردازند، عملًا تلاش می‌کنند که ارتباط واقعه غدیر را با امامت و رهبری علی علیه السلام انکار کرده و آن را در حدّ سفارش پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله به دوستی با علی علیه السلام تنزّل دهند.

۲- ۲- ۱- نقد و بررسی عقاید مفسران اهل سنّت درباره‌نزول آیه تبلیغ

۲- ۲- ۱- ۱- بررسی فرض نخست- نزول آیه در مکه

عده‌ای از مفسران بر این عقیده‌اند که آیه تبلیغ در مکه نازل شده و هدف از نزول آن سفارش خداوند به رسول خود در تبلیغ احکام دین به مشرکان بوده است. به عقیده آنان، از آنجا که رسول خدا صلی الله علیه و آله در مکه در شرایط ضعف به

۱- . از جمله بنگرید به تفسیر المنار، ج ۶، ص ۴۶۵، روح المعانی، ج ۶، ص ۱۹۴- ۱۹۵

ص: ۳۲

سر می‌برد لازم بود که خداوند آن حضرت را از حمایت خود مطمئن ساخته و نسبت به ابلاغ حقایق اسلام به مشرکان دلگرم سازد. این مفسران در تأیید نظر خود به روایاتی استناد کرده‌اند که بر مسئولیت ابوطالب در حفاظت از جان پیامبر صلی الله علیه و آله دلالت می‌کند. در یکی از این روایات آمده است: «هر گاه رسول خدا صلی الله علیه و آله از منزل خارج می‌گشت، ابوطالب عده‌ای را به دنبال او گسیل می‌داشت که از وی مراقبت کنند؛ تا آن‌که آیه: «وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنْ النَّاسِ»، نازل گردید. در این زمان پیامبر صلی الله علیه و آله به عموی خود گفت: ای عمو خداوند مرا حفظ می‌کند و دیگر نیاز نیست که کسی را به مراقبت از من بگماری» (۱) ۳۴. و مطابق روایت دیگر، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «خداوند مرا از شر جن و انس حفظ می‌کند» (۲) ۳۵. و از اینجا روشن می‌شود که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در مکه بدون خوف و واهمه به ادای رسالت الهی خود مشغول گردید. اما به دلایلی باید گفت که این نظر یعنی مکّی‌النّزول بودن آیه تبلیغ و مسأله حفاظت از جان رسول‌خدا صلی الله علیه و آله در مکه و منتفی شدن مراقبت از آن حضرت آنهم به دلیل: «وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنْ النَّاسِ»، نظریه باطلی است و مهم‌ترین دلایل عبارتند از:

۱- . تفسیر القرآن العظیم، ج ۲، ص ۸۱، تفسیر مراغی، ج ۲، ص ۱۶۰

۲- . تفسیر القرآن العظیم، ج ۲، ص ۸۱

ص: ۳۳

الف- چنانکه قبلًا گذشت سوره مائده به اتفاق نظر مفسران در مدینه نازل شده است؛ (۱) ۳۶ و بلکه از آخرین سوره‌های نازله در مدینه است (۲) ۳۷. بنابراین چگونه ممکن است که آیه تبلیغ در مکه نازل شده باشد؟ برخی از مفسران در پاسخ به این سؤال گفته‌اند: «سوره مائده در مدینه نازل شده به استثنای آیاتی از آن که در مکه نازل شده است» و مقصودشان همان آیه تبلیغ یا آیه اکمال است (۳) ۳۸. اما در نقد این پاسخ باید گفت که در اثبات این ادعا نه دلیل قطعی از روایات وجود دارد و نه دلیل قانع کننده از ادلّه عقلی. زیرا به فرض که آیه تبلیغ در مکه نازل شده و در اواخر عمر رسول خدا صلی الله علیه و آله در سوره مائده جاگذاری شده باشد، سؤالی که مطرح است آن‌که: در این سال‌های نسبتاً طولانی این آیه در کجا قرار داشته و به چه شکل قرائت می‌شده است؟

آیا پیامبر صلی الله علیه و آله این آیه را بایگانی فرمود تا دیگر آیات سوره مائده نازل شود و آن وقت آیه را در ردیف آیات سوره مائده قرار دهد؟

این سؤالی است که در برابر آن پاسخ روشن و قانع

۱- . ثعالبی، قرطبی و شوکانی در تفاسیر خود نوشته‌اند: «هذه السورةمدنیة بالاجماع»، بنگرید به الجواهر الحسان، ج ۱، ص ۴۰۴، الجامع لأحکام القرآن، ج ۶، ص ۳۰، فتح القدیر، ج ۲، ص ۳

۲- . تفسیر تبیان، ج ۱، ص ۴۳۳

۳- . از جمله بنگرید به تفسیر البحر المحیط، ج ۴، ص ۳۲۳؛ تفسیرمعالم التنزیل، ج ۲، ص ۵، تفسیر المراغی، ج ۲، ص ۱۶۰

ص: ۳۴

کننده‌ای وجود ندارد. به همین دلیل ابن‌کثیر دمشقی پس از نقل حدیث مربوط به مراقبت از رسول خدا صلی الله علیه و آله در مکه و نزول: «وَاللَّهُ یَعْصِمُکَ مِنْ النَّاسِ»، نوشته است: «هذا حدیث غریب و فیه نکارهٔ. فانّ هذه الآیهٔ مدنیهٔ و هذا الحدیث تقتضی انها مکّیهٔ». یعنی: این روایت حدیث غریبی است و خلاف مشهور است. زیرا آیه تبلیغ مدنی است در صورتی که مقتضای حدیث آن است که آیه در مکه نازل شده باشد» (۱) ۳۹.

ابن کثیر در نقد دومین روایت مربوط به مراقبت از جان پیامبر صلی الله علیه و آله و نزول: آیه «وَاللَّهُ یَعْصِمُکَ مِنْ النَّاسِ»، نیز می‌نویسد: «این حدیث هم حدیث غریبی است. نظر صحیح آن است که آیه تبلیغ در مدینه نازل شده، بلکه این آیه از آخرین آیاتی است که از قرآن نازل شده است. و خدا به حقایق آگاهتر است» (۲) ۴۰.

ب- این مطلب که آیه تبلیغ در مکه نازل شده و به دنبال آن، اولًا: رسول خدا صلی الله علیه و آله موظّف به ابلاغ احکام الهی به مشرکان گردید، و ثانیاً: خداوند به پیامبر صلی الله علیه و آله وعده فرمود که آن حضرت را از شرّ کافران مکه حفظ کند، مطلب قابل قبولی نیست و دلیل آن نقض هر دو فرض یاد شده به وسیله آیات دیگری از قرآن است. زیرا در قرآن کریم به

۱- . تفسیر القرآن العظیم، ج ۱، ص ۸۱

۲- . همان

ص: ۳۵

خصوص در سوره‌های مکی آیات بسیاری وجود دارد که در آن آیات، خداوند رسول خود را مأمور ابلاغ آیات وحی به مشرکان ساخته و به آن حضرت وعده حمایت و یاری در مقابل توطئه دشمنان داده است. دو نمونه از این وعده‌ها در سوره‌های علق و حجر وجود دارد که هر دو از قدیمی‌ترین سوره‌های نازله در مکه می‌باشد. در سوره حجر آمده است:

«فَاصْدَعْ بِما تُؤْمَرُ وَأَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ* إِنَّا كَفَيْناكَ الْمُسْتَهْزِئِينَ* الَّذِينَ يَجْعَلُونَ مَعَ اللَّهِ إِلهاً آخَرَ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ» (۱) ۴۱.

«آنچه را مأموریت داری، آشکارا بیان کن و از مشرکان روی گردان. ما شرّ استهزاکنندگان را از تو دفع خواهیم کرد؛ همان‌ها که معبود دیگری با خدا قرار دادند. اما به زودی خواهند فهمید».

ابن‌کثیر در تفسیر این آیه از قول عبداللَّه‌بن مسعود آورده است: «رسول خدا صلی الله علیه و آله مخفیانه به دعوت خود ادامه می‌داد تا آن‌که آیه: «فَاصْدَعْ بِما تُؤْمَرُ وَأَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ» نازل گردید. در اینجا بود که آن حضرت و مسلمانان دعوت خود را علنی ساختند (۲) ۴۲. او سپس در تفسیر:

«وَأَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ* إِنَّا كَفَيْناكَ الْمُسْتَهْزِئِينَ» نوشته

۱- . سوره حجر، آیات ۹۴- ۹۶

۲- . تفسیر القرآن العظیم، ج ۲، ص ۵۷۹

ص: ۳۶

است: «مفهوم این دو آیه آن است که: آنچه از جانب پروردگارت بر تو نازل شده به مردم ابلاغ کن و به مشرکان که در صدد بازداشتن تو از ابلاغ آیات الهی هستند توجه مکن و از آن‌ها مترس؛ که خداوند تو را کفایت خواهد کرد» (۱) ۴۳.

ثعالبی نیز از قول ابن العربی با توجّه به «إنّا کفیناک المستهزین» تصریح می‌کند که مراتبی از حفظ الهی نسبت به پیامبر صلی الله علیه و آله در مکّه تحقّق یافته بود. امّا با نزول «واللَّه یعصمک من الناس» حفظ و مراقبت الهی نسبت به رسول خود در مدینه کامل شد و خداوند آن حضرت را از شرّ همه مردم حفظ کرد. (۲) ۴۴ با توجه به این شواهد که در آن خداوند حمایت قاطع خود را از رسول خود در مکه اعلام کرده است، قابل قبول نخواهد بود که تصوّر کنیم رسول خدا صلی الله علیه و آله در انجام مأموریت الهی خود قصور ورزید و یا نسبت به وعده خداوند در حفظ خودش از شرّ کافران نامطمئن بوده است، به طوری که با نزول آیه تبلیغ در مکه بار دیگر بر ابلاغ دستورهای خداوند به مشرکان و محفوظ ماندن رسول‌خدا صلی الله علیه و آله از توطئه‌های دشمنان تأکید شود.

۱- . تفسیر القرآن العظیم، ج ۲، ص ۵۸۰

۲- . الجواهر الحسان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۴۳۹

ص: ۳۷

۲- ۲- ۱- ۲- بررسی فرض دوم- نزول آیه درباره اهل کتاب

پاره‌ای از مفسّران اهل سنّت بر این باورند که آیه تبلیغ درباره ابلاغ حقایق دینی به اهل کتاب نازل گردید.

مهم‌ترین دلیل این مفسران، قرار گرفتن آیه تبلیغ در سیاق آیاتی است که در آن مطالبی نسبت به اهل کتاب طرح شده است. فخر رازی این عقیده را به عنوان رأی مختار خود انتخاب کرده است. (۱) ۴۵ و به تبع او ابوحیان توحیدی نیز در تفسیر «یَا أَیُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَیْکَ ...» می‌نویسد:

«ای ما انزل الیك من الرّجم و القصاص الذی غیّره الیهود فی التّوراة و النّصاری فی الانجیل.» (۲) ۴۶ یعنی: ای پیامبر آنچه از احکام سنگسار و قصاص بر تو نازل شده، ابلاغ کن؛ همان احکامی که یهودیان نسبت به تورات و نصارا نسبت به انجیل تغییر داده‌اند. ابوحیان در ادامه می‌افزاید: «آنچه از ظاهر آیه استفاده می‌شود آن‌که: خداوند پیامبر خود را از مکر یهود و نصارا در امان نگه داشت و به او فرمان داد که به تبلیغ هر آنچه از قرآن درباره آن‌ها نازل شده اقدام کند بدون آن‌که به احدی از آنان توجه کند. زیرا کلام قبل و بعد از این آیه درباره اهل کتاب است و بعید است که این آیه از نظر مفهوم بیگانه از آیات قبل و بعد از خود باشد» (۳) ۴۷.

۱- . تفسیر مفاتیح الغیب، ج ۱۲، ص ۵۰

۲- . تفسیر البحر المحیط، ج ۴، ص ۳۲۱ و نیز بنگرید به معالم التنزیل، ج ۲، ص ۵۱ تفسیر الخازن (باب التأویل)، ج ۲، ص ۶۲

۳- . تفسیر البحر المحیط، ج ۴، ص ۳۲۱

ص: ۳۸

اما به دلایل زیر این احتمال نیز احتمال درستی نیست:

الف- نه تنها مفسران شیعه بلکه بسیاری از مفسران اهل سنّت نیز بر این مطلب تصریح کرده‌اند که آیه تبلیغ در اواخر عمر رسول خدا صلی الله علیه و آله و مشخصاً در حجّة‌الوداع نازل شده است (۱) ۴۸ و اهل کتاب در این زمان در موقعیتی نبوده‌اند که رسول خدا صلی الله علیه و آله در ابلاغ حقایق اسلام از آنان واهمه کند.

جهت اطلاع بیشتر یادآور می‌شویم که: یهود و نصارا اصولًا نه در مکه و نه در مدینه قدرت و نفوذ چندانی نداشتند که بتوانند در مقابل پیشرفت اسلام سدّی به شمار آیند. مقارن با بعثت رسول خدا صلی الله علیه و آله چند طایفه یهودی در مدینه زندگی می‌کردند؛ اما آنان از نظر قدرت در اقلیت به سر می‌بردند؛ به طوری که همواره منتظر بودند تا پیامبر خاتم ظهور کرده و آنان با کمک این پیامبر بر کافران (از اوس و خزرج) پیروز شوند (۲) ۴۹.

پس از آن‌که رسول خدا صلی الله علیه و آله به مدینه هجرت نمود، در عهدنامه‌ای که بین مهاجرین و انصار و طوایف مستقر در مدینه منعقد فرمود، حقوق طوایف یهودی را محترم

۱- . از جمله بنگرید به مجمع البیان، ج ۳، ص ۳۴۴؛ غرائب القرآن‌نیشابوری، ج ۲، ص ۶۱۶؛ فتح القدیر، ج ۲، ص ۶۰

۲- . سوره بقره آیه ۸۹ درباره این یهودیان می‌فرماید: «وَ لَمَّا جاءَهُمْ کِتابٌ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ مُصَدِّقٌ لِما مَعَهُمْ وَ کانُوا مِنْ قَبْلُ یَسْتَفْتِحُونَ عَلَی الَّذِینَ کَفَرُوا فَلَمَّا جاءَهُمْ ما عَرَفُوا کَفَرُوا بِهِ فَلَعْنَةُ اللَّهِ عَلَی الْکافِرِینَ»

ص: ۳۹

شمرد، (۱) ۵۰ اما پس از چندی آنان به توطئه چینی پرداخته و حتی با مشرکان قریش و منافقان مدینه- بر ضد مسلمانان- هم‌پیمان شدند. در اینجا بود که جنگ‌هایی بین مسلمانان و یهودیان اتفاق افتاد که مهم‌ترین این جنگ‌ها غزوه بنی‌قریظه و غزوه خیبر می‌باشد. نتیجه این جنگ‌ها چیزی جز شکست و آوارگی برای یهودیان و به عبارتی برچیده شدن نفوذ آنان از عربستان نبود. شرح این موضوع در سوره‌های احزاب و حشر وارد شده (۲) ۵۱ و این موضوع در سال هفتم هجری اتفاق افتاد.

درباره مسیحیان نیز باید گفت: این عده اساساً در عربستان و به ویژه مدینه سکونت نداشته‌اند و تنها در سال نهم هجری گروهی از مسیحیان نجران به مدینه آمدند و در جریان دعوت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله قرار گرفتند. و چنان‌که معروف است بین آنان و رسول خدا صلی الله علیه و آله ابتدا توافقی نسبت به اجرای مباهله به عمل آمد اما در روز مباهله مسیحیان از این کار منصرف شدند و به پرداخت جزیه راضی گشتند. (۳) ۵۲

۱- . سیره ابن هشام، ج ۲، صص ۱۴۷- ۱۵۰

۲- . از جمله آیه ۶۱ سوره بقره که می‌فرماید: «وَضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الذِّلَّةُوَالْمَسْكَنَةُ وَباؤُ بِغَضَبٍ مِنَ اللَّهِ» و نظیر آن: سوره آل عمران: آیه ۱۱۲

۳- . سوره آل عمران: آیه ۶۱، معروف به آیه مباهله، نیز بنگرید به تفسیر همین آیه در تفسیر القرآن العظیم، ج ۱، ص ۳۷۵، مجمع‌البیان، ج ۲، ص ۷۶۲ و شواهدالتنزیل، ص ۱۲۰- ۱۲۹

ص: ۴۰

با توجه به این شواهد تاریخی چگونه ممکن است که در آیه تبلیغ، رسول خدا صلی الله علیه و آله مأمور به ابلاغ حقایق دین به اهل کتاب باشد، حال آن‌که یهود و نصارا و به طور کلّی اهل کتاب در زمان نزول سوره مائده مقهور پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و مسلمانان بوده‌اند (۱) ۵۳ در برخی از سوره‌ها بر خواری و ذلت آن‌ها تأکید شده، (۲) ۵۴ در پاره‌ای دیگر از سوره‌ها از جمله همان سوره مائده عقاید آنان مورد انکار و تخطئه قرار گرفته،۵۵ و حتی در پاره‌ای از آیات قرآن بر جنگ با اهل کتاب (مرتدّان و توطئه‌گران آنان) تا راضی شدن به پرداخت جزیه فرمان داده شده است (۳) ۵۶.

ب- این مطلب که چون آیه تبلیغ در بین آیاتی است که درباره اهل کتاب مطالبی را بیان می‌کند پس به ناچار مرتبط با اهل کتاب است؛ ضرورتاً مطلب درستی نیست. زیرا چنان‌که روشن است نزول آیات قرآن و تکمیل شدن سوره‌ها- خصوصاً سوره‌های بزرگ مدنی- امری تدریجی بوده است. و نکته دیگر آن‌که: قرار گرفتن آیات در ضمن

۱- . المیزان، ج ۶، ص ۴۳

۲- . از جمله آیه ۶۱ سوره بقره که می‌فرماید: «وَضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الذِّلَّةُوَالْمَسْكَنَةُ وَباؤُ بِغَضَبٍ مِنَ اللَّهِ» و نظیر آن: سوره آل عمران: آیه ۱۱۲

۳- . التوبه: آیه ۲۹

ص: ۴۱

یـک سوره و به عبـارتی ترتیب آیـات یـک سوره لزومـاً به معنـای ترتیب زمانی نزول آن‌ها و یا مترتب بودن مطالب آن‌ها نسبت به یکدیگر نیست. ترتیب آیات سوره‌ها اصطلاحاً امری توقیفی است که مطابق با صلاحدید رسول‌خدا صلی الله علیه و آله انجام یافته است (۱) ۵۷. در پاره‌ای از موارد روابط آیات با یکدیگر امری واضح و روشن است و در پاره‌ای دیگر روابط و تناسب آیات برای ما مبهم و نامشخص می‌باشد. اما این موضوع که آیه تبلیغ به آیات قبل و بعد از خود ارتباط دارد یا خیر، مطلبی است که در مباحث آینده به آن خواهیم پرداخت.

۲- ۳- تحقیقی درباره شأن نزول آیه تبلیغ

مفسران شیعه و سنّی به عنوان صائب‌ترین نظر تصریح کرده‌اند که آیه تبلیغ در حجةالوداع نازل شده است. با این تفاوت که مفسران شیعه نزول آیه تبلیغ را در ارتباط با واقعه غدیر خم دانسته‌اند، (۲) ۵۸ در صورتی که برخی از مفسران

۱- . القرآن الکریم و روایات المدرستین، ج ۱، ص ۲۱۳ و تاریخ قرآن، دکتر رامیار، ص ۵۷۴

۲- . بنگرید به: مجمع البیان، ج ۳، ص ۳۴۴؛ تفسیر نورالثقلین، ج ۱، صص ۶۵۱- ۶۵۸ در روایات مختلف و نیز از مفسران اهل سنت بنگرید به: تفسیر فتح القدیر، ج ۱، ص ۶۰؛ تفسیر غرائب القرآن، ج ۲، ص ۶۱۶، شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۱۸۷- ۱۹۳

ص: ۴۲

اهل‌سنّت اظهار کرده‌اند که آیه تبلیغ بنا به پاره‌ای از مناسبت‌ها- که خواهد آمد- در مدینه یا برخی از غزوات نازل شده است (۱) .۵۹

علامه امینی در کتاب الغدیر با استفاده از مآخذ معتبر اهل سنت ثابت کرده است که ارتباط آیه تبلیغ و واقعه غدیرخم در بین اهل سنّت نیز به عنوان یک نظر، مطرح است (۲) ۶۰. یعنی این موضوع تنها از ناحیه شیعیان ادّعا نشده بلکه دانشمندان اهل سنت نیز بعضاً نزول آیه تبلیغ را با واقعه غدیرخم مرتبط داشته و آن را در کتاب‌های خود نقل کرده‌اند. از جمله نیشابوری در تفسیر غرایب القرآن به عنوان نخستین احتمال از قول ابوسعید خُدری نوشته است:

این آیه در فضیلت علی‌بن ابی‌طالب و در روز غدیرخم نازل گردید و پس از آن رسول خدا صلی الله علیه و آله دست علی علیه السلام را گرفت و فرمود: «من کنت مولاه فهذا علی مولاه اللهم وال من والاه وعاد من عاداه ...». (۳) ۶۱ از سوی دیگر برخی از مفسران اهل سنت کوشیده‌اند که رابطه نزول آیه تبلیغ و

۱- . بنگرید به تفسیر معالم التنزیل، ج ۲، ص ۵۲

۲- . الغدیر، ج ۲، صص ۸۸- ۱۱۴ که با استفاده از ۳۰ مأخذ این مطلب راتحقیق کرده است

۳- . تفسیر غرائب القرآن، ج ۲، ص ۶۱۶ و نیز بنگرید به تفاسیر الدرالمنثور، ج ۲، ص ۲۹۸، فتح القدیر، ج ۲، ص ۶۰، روح المعانی، ج ۶، ص ۱۹۴، مفاتیح الغیب، ج ۱۲، ص ۵۰

ص: ۴۳

واقعه غـدیرخم را مورد انکـار قرار دهنـد. این مفسـران دربـاره شـأن نزول آیه تبلیغ مطـالبی ذکر کرده‌انـد که ابـداً قابل توجه و اعتنا نمی‌باشد. فخر رازی در مقام نقل پاره‌ای از این احتمالات نوشته است:

-/ برخی گفته‌انـد که آیه تبلیغ دربـاره ابلاغ حکم رجم و قصاص نازل گردیـد (آن هم با توجه به تحریف‌هایی که در این دو حکم واقع شده بود).

-/ برخی بر این باورند که آیه تبلیغ ناظر به عیبجویی‌ها و طعن‌های یهودیان نازل گردید.

-/ برخی نزول آیه تبلیغ را مرتبط به اعلام حکم تخییر از سوی رسول خدا صلی الله علیه و آله به زنان خود دانسته‌اند (۱) ۶۲.

-/ برخی گفته‌اند که نزول آیه در ارتباط با ابلاغ حکم جهاد است که مورد کراهت منافقان بوده است (۲) ۶۳.

در نقـد اظهـارات یـاد شـده بایـد گفت: هیـچ یـک از مطـالب و یا احکام مـذکور در این احتمالات، به گونه‌ای نیست که اولًا: ابلاغ نکردن آن عدم ابلاغ رسالت الهی تلقی شود؛ و ثانیاً: رسول خدا صلی الله علیه و آله در بیان اعلام آن، ترس و واهمه‌ای به

۱- . مقصود از حکم تخییر، آیـات ۲۸ به بعـد از سوره احزاب است که در آن رسول خدا صـلی الله علیه و آله همسـران خود را بین طلاق و بهره‌برداری از زندگانی دنیا و نیز اختیار خدا و رسول و پیشه‌سازی قناعت مخیّر ساخت

۲- . تفسیر مفاتیح الغیب، ج ۱۲، ص ۴۹؛ تفسیر معالم التنزیل، ج ۲، ص ۵۲

ص: ۴۴

خود راه دهـد و نیاز به وعـده «وَاللَّهُ یَعْصِمُکَ مِنْ النَّاسِ»، داشـته باشـد. و گذشـته از این به طوری که علامه امینی تذکّر داده است هیچ‌یک از احتمالات یاد شده مبتنی بر حدیث و روایت صحیحی نبوده و فراتر از حدس و گمان نمی‌باشد (۱) ۶۴.

احتمـال نزول آیه تبلیغ در روز عرفه نیز احتمـال قابـل قبولی نیست. زیرا خطبه رسول خـدا صـلی الله علیه و آله در روز عرفه در اکثر کتاب‌های حدیثی و تاریخی ضـبط شده است (۲) ۶۵. در این خطبه رسول گرامی اسـلام صـلی الله علیه و آله مردم را مورد خطـاب قرار داده و درباره مسائل اجتماعی و اخلاقی امور سودمنـدی را به مسـلمانان تذکر داده است. این خطبه به نوعی جهان‌بینی اسـلامی را در حـوزه روابـط اجتمـاعی در اسـلام، رعـایت حقـوق مسـلمانان نسـبت به یکـدیگر، حفـظ تقوا و حـدود الهی، رعـایت حقوق و شخصیت زنـان و مطـالبی از این قبیـل را شامـل می‌شود. روشن است که تـذکر این مطلب تا آن زمان امری بی‌سابقه نبوده است که رسول خدا صـلی الله علیه و آله از اعلام آن واهمه نماید و نیاز به وعده الهی در مصونیّت از شـرّ مخالفان داشته باشد. ضمناً چنان‌که می‌دانیم پس از آن‌که

۱- . الغدیر، ج ۲، صص ۱۰۹- ۱۱۳

۲- . از جمله بنگرید به، الکافی، ج ۱، ص ۴۰۳؛ صحیح مسلم، ج ۲، ص ۸۸۹- ۸۹۰، سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۰۱۵، سنن ترمذی، ج ۵، ص ۳۴؛ سنن دارمی، ج ۱، ص ۷۴، سیره ابن هشام، ج ۴، ص ۲۵۰ و تاریخ طبری، ج ۳، ص ۱۵۰- ۱۵۲

ص: ۴۵

رسول خدا صلی الله علیه و آله به مفاد آیه تبلیغ عمل نمود، آیه اکمال دین یعنی: «الْیَوْمَ أَکْمَلْتُ لَکُمْ دِینَکُمْ وَ ...». نازل شد که مطابق تحقیقات به عمل آمده این آیه نیز پس از واقعه غدیرخم نازل گردیده است (۱) ۶۶.

۴- بررسی چند مسأله پیرامون آیه تبلیغ

۴- ۱- فلسفه واقعه غدیر چه بود؟

مهمترین سؤال در تفسیر آیه تبلیغ جویا شدن از فلسفه واقعه غدیر است. با توجّه به اینکه اصل واقعه غدیر- به عنوان واقعه‌ای که به تواتر پیوسته است- مورد انکار کسی قرار ندارد، سؤال قابل طرح آنکه چرا رسول خدا صلی الله علیه و آله بعد از نزول آیه، دهها هزار نفر از مسلمانان را در منطقه‌ای بیابانی متوقّف ساخته و با تصریح به: «من کنت مولاه فهذا علی مولاه» ولایت خود را به علی علیه السلام تسرّی داد. قسمتی از پاسخ به سؤال یاد شده با معنای «مولی» ارتباط دارد که در جای خود خواهد آمد. امّا اجمالًا باید دانست که دانشمندان اهل سنّت که در معنای «مولی» بیشتر بر مفهوم دوستی و نصرت تأکید کرده‌اند، فلسفه ماجرای غدیر را اقدام رسول خدا صلی الله علیه و آله در زدودن ناراحتی و کینه جمعی از

۱- . الکافی، ج ۱، ص ۲۸۹، تفسیر القمی، ج ۱، ص ۱۶۲، مجمع البیان، ج ۳، ص ۲۴۶، شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۱۵۶- ۱۶۰ و نیز بنگرید به الغدیر، ج ۲، صص ۱۱۵- ۱۳۷

ص: ۴۶

مسلمانان نسبت‌به‌علی علیه السلام دانسته و این مسأله را با مأموریت علی علیه السلام به یمن و شکایت چند تن از صحابه از علی علیه السلام در اثنای این سفر ربط داده‌اند. به عنوان مثال صاحب تفسیر المنار می‌نویسد: «برخی گفته‌اند که سبب واقعه غدیر تبرئه علی علیه السلام از مطالبی است که عدّه‌ای از همراهان علی علیه السلام در مأموریت یمن نسبت به او ابراز کردند و رسول خدا صلی الله علیه و آله به منظور دلجویی از علی علیه السلام در روز غدیر خم به ایراد خطبه‌ای مبادرت فرمود و در آن رضایت خود را از علی علیه السلام اعلام کردو ولایت او را به مؤمنان مورد تأکید قرارداد.» (۱) ۶۷ امّا جهت اطلاع بیشتر از جریان یمن به طوری که در آغاز این کتاب اشاره گردید در سال دهم هجری رسول خدا صلی الله علیه و آله علی علیه السلام را با جمعی از مسلمانان جهت انجام مأموریتی به یمن فرستاد. بریده اسلمی در این خصوص گوید: «پیامبر صلی الله علیه و آله دو گروه از مسلمانان را به سمت یمن گسیل داشت که در رأس یک گروه علی علیه السلام و در رأس گروه دیگر خالد بن ولید قرار داشت. پیامبر صلی الله علیه و آله ضمناً سفارش کرد که اگر دو گروه در حین سفر مجتمع شدند علی علیه السلام فرمانده کل باشد. در این سفر با بنی‌زید برخورد کرده و با آنان جنگیدیم که در نتیجه مسلمانان بر مشرکان غالب شدند. در رابطه با تقسیم غنائم، کار علی علیه السلام مورد

۱- . تفسیر المنار، ج ۶، ص ۴۶۵ با اندکی تلخیص

ص: ۴۷

اعتراض خالد قرار گرفت. خالد از طریق من نامه‌ای جهت رسول خدا صلی الله علیه و آله فرستاد و او را از موضوع با خبر ساخت. بریده گوید: چون به خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله رسیدم، نامه را تقدیم کردم. امّا چون نامه برای آن حضرت خوانده شد من غضب و ناراحتی را در سیمای پیامبر صلی الله علیه و آله مشاهده کردم و عرض کردم: ای رسول خدا صلی الله علیه و آله این جایی است که انسان باید به خدا پناه برد. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: در مورد علی گمان بد مبر که او از من است و من از اویم و او بعد از من ولی شما خواهد بود؛ آری او از من است و من از اویم و او بعد از من ولی شما خواهد بود.» (۱) ۶۸ ترمذی گزارش مأموریت یمن را از قول براء بن عازب نقل کرده و در حدیث خود آورده است: «چون پیامبر صلی الله علیه و آله نامه خالد را خواند رنگ مبارکش تغییر کرد و سپس فرمود:

چه می گویید درباره مردی که خدا و رسول را دوست دارد و خدا و رسولش هم او را دوست دارند؟ براء بن عازب (یا بریده) گفت: از غضب خدا و غضب رسولش به خدا پناه می‌برم. من فقط قاصد و پیام‌آور بوده‌ام.» (۲) ۶۹ همچنین طبق حدیث دیگری در مورد همین مأموریت، پس از بازگشت همراهان علی علیه السلام از این سفر،

۱- . مسند احمد بن حنبل، ج ۵، ص ۳۵۵ حدیث ۲۳۴۰۰ و نیز بنگرید به همین کتاب، ج ۵، ص ۳۵۰، ۳۵۱

۲- . سنن ترمذی، ج ۵، ص ۵۹۷

ص: ۴۸

چهار نفر از صحابه با یکدیگر قرار گذاشتند به خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله رفته و آن حضرت را از عملکرد علی علیه السلام (در حفظ غنائم و سخت گیری در تقسیم آن) با خبر سازند.

لذا یکی پس از دیگری شروع به سخن کردند و درباره علی علیه السلام اظهار داشتند که علی علیه السلام چنین و چنان کرده، پیامبر صلی الله علیه و آله به سخنان آنان گوش فرا داده امّا سکوت پیشه ساخت. تا آنکه نفر چهارم به ایراد سخن پرداخت و سخنانی نظیر افراد قبل از خود به زبان آورد. در اینجا بود که پیامبر صلی الله علیه و آله در حالی که خشم از چهره مبارکش هویدا بود برخاست و فرمود: «ما تریدون من علی؟ ما تریدون من علی؟ إنَّ علیّاً منّی وأنا منه وهو ولیّ کلّ مؤمن من بعدی» (۱) ۷۰ یعنی: از علی چه می‌خواهید؟ از علی چه می‌خواهید (مگر نمی‌دانید که) علی از من است و من از علی هستم و او ولی و سرپرست هر مؤمنی پس از من است.

مطابق حدیث دیگر رسول خدا صلی الله علیه و آله کار علی علیه السلام در تقسیم غنائم و جز آن را تأیید کرده فرمود: «از بدگویی درباره علی دست بردارید که او در اجرای دستور خدا بسیار دقیق و سخت گیر است و هرگز در زندگی او تملّق و مداهنه (سازش) وجود ندارد.» (۲) ۷۱

۱- . همانجا، ج ۵، ص ۵۹۰- ۵۹۱، با اندکی تلخیص، مستدرک حاکم، ج ۳، ص ۳۲۴، اسدالغابهٔ، ج ۳، ص ۶۰۴

۲- . مستدرک حاکم، ج ۳، ص ۳۴۶

ص: ۴۹

باز در حدیث دیگر، ابن عباس از بریده نقل می‌کند که وی گفت: «همراه علی، در جهاد یمن شرکت کردم، و سخت‌گیری او را مشاهده کردم. هنگامی که به حضور پیامبر صلی الله علیه و آله رسیدم علی علیه السلام را یاد کرده از او بدگویی کردم. امّا مشاهده کردم که چهره پیامبر صلی الله علیه و آله تغییر می‌کند پیامبر صلی الله علیه و آله از من پرسید: «ای بریده! آیا من در ولایت و سرپرستی مؤمنان از خودشان سزاوارتر به آنان نیستم؟» عرض کردم:

چرا ای رسول خدا، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «هر کس که من مولا و سرپرست او هستم علی مولا و سرپرست اوست». (۱)

۷۲ و بالاخره عبداللَّه بن بریده از پدر خود نقل می‌کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله علی علیه السلام را به سوی خالد بن ولید گسیل داشت تا به تقسیم خمس غنائم یا (مطابق حدیثی) به دریافت خمس غنائم مبادرت کند. خالد به بریده گفت: آیا نمی‌بینی که او چگونه به تقسیم پرداخته است. بریده گوید:

من از علی علیه السلام بغض و ناراحتی به دل داشتم. رسول خدا صلی الله علیه و آله از من سؤال کرد آیا تو بغض علی علیه السلام به دل داری؟ گفتم:

آری. فرمود: بغض او را به دل راه مده (و طبق حدیث دیگر: او را دوست داشته باش) که او در خمس غنائم سهم بیشتری (از آن چه تصرف کرده) دارد. (۲) ۷۳ با توجّه به روایات متعدّدی که درباره مأموریت یمن از

۱- . مسند احمد بن حنبل، ج ۵، ص ۳۴۸، مستدرک حاکم ج ۳، ص ۳۲۴، خصائص، ص ۱۵

۲- . مسند احمد بن حنبل، ج ۵، ص ۳۶۰

ص: ۵۰

نظر گـذشت، جوانب مختلف این واقعه به دست می‌آیـد. در عین حال دقّت در روایات مـذکور نشان می‌دهـد که هیـچ ارتباطی بین این حادثه و واقعه غدیر خم، بنا به دلایل ذیل وجود ندارد:

الف: در هیـچ یک از روایات ذکر شده، تصـریح و یا اشاره‌ای به واقعه غدیر خم و اجتماع مسـلمانان در این منطقه وجود ندارد. و با آنکه در برخی از روایات گذشـته، بحث از ولایت علی علیه السلام و سرپرستی آن حضرت بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله به میان آمـده، معهـذا هیـچ اشـاره‌ای به غـدیر خم در این روایات دیـده نمی‌شود. از سیاق روایات مربوط به واقعه یمن می‌توان دریافت که شکایت چنـد تن از صـحابه از علی علیه السـلام، در مکّه (در جریان حجّهٔالوداع) و یا در مدینه (۱) ۷۴ (پس از مراجعت پیامبر صلی الله علیه و آله از سفر) رخ داده است.

ب: مفاد روایات مربوط به واقعه یمن نشان می‌دهد که اشخاصـی که از علی علیه السلام و شیوه مدیریت او به محضر پیامبر صلی الله علیه و آله شـکایت برده‌انـد، اشخاصـی محدود در سـطح خالد بن ولید، بریده اسـلمی و حداکثر ۴ نفر بوده‌انـد. چون اساساً جمعیت قابل توجّهی در مأموریت یمن همراه با علی علیه السـلام نبودند، بلکه افراد معدودی حضـرت را در این سفر همراهی کردند و تعداد ناراضیان بسیار اندک بوده است.

ج: از تدبّر در روایات به دست می‌آید که افراد ناراضی

۱- . المعجم الاوسط، ج ۶، ص ۱۶۲

ص: ۵۱

به طور خصوصـی با رسول خدا صلی الله علیه و آله ملاقات کردند و نیز نظر خود را در بدگویی از علی علیه السلام با ارسال نامه به محضـر پیـامبر صـلی الله علیه و آله ابراز داشـتند. به عبـارت دیگر شـکایت از علی علیه السـلام موضوعی اجتمـاعی و فراگیر نبود که نیازی به جمع‌آوری همه مردم در اجتماعی بزرگ مثل واقعه غدیر باشد. امّا پیامبر اسـلام صـلی الله علیه و آله با گفتن: «إنّه منّی وأنا منه وهو ولیّ کلّ مؤمن من بعدی» (آن هم چند بار) واقعه یمن و شـکایت برخی از اصـحاب از علی علیه السـلام را به فرصتی جهت طرح شایستگی‌های علی علیه السلام تبدیل ساخت.

د: اگر فرض کنیم که هدف از برپایی واقعه غدیر مسأله رفع کدورت صـحابه از علی علیه السلام و سفارش به دوستی با آن حضرت باشـد، اوّلًا آیـا معقول است که پیامبر صـلی الله علیه و آله در انجام این کار بیش از ۲۰ روز تعلل کنـد؟ (چون این کـدورت قبل از ذی‌الحجّه و رفع آن در هیجدهم ذی‌الحجّه واقع شده است) ثانیاً این کار یعنی اعلام دوستی و همدلی با علی علیه السلام چه خطری داشته که خداوند با وعده «واللَّه یعصمک من الناس» رسول خدا صلی الله علیه و آله را موظّف به انجام آن سازد؟

از آنچه به تفصـیل گـذشت ثابت می‌شود که برپایی واقعه غـدیر ارتباطی با مأموریت یمن ندارد و فلسـفه کار پیامبر صـلی الله علیه و آله در روز غـدیر امر مهم‌تری بوده که این امر چیزی جز تعیین رهبری و جانشـینی پس از خود و معرفی مصـداق آن یعنی علی علیه السلام نبوده است.

ص: ۵۲

۴- ۲- رابطه آیه تبلیغ با آیات قبل و بعد آن چیست؟

اکثر آیات سوره مائده درباره اهل کتاب نازل شده و آیه تبلیغ هم در بین این آیات قرار دارد. بر این اساس چنانکه گفته شد، برخی از مفسران اهل سنّت معتقدند که مفاد آیه تبلیغ نیز درباره اهل کتاب است؛ زیرا در غیر این صورت آیه تبلیغ از نظر مفهوم از آیات قبل و بعد از خود منقطع خواهد شد و چنین چیزی زیبنده قرآن نمی‌باشد.

در پاسخ به این سؤال باید گفت: حتی به فرض که ثابت شود آیه تبلیغ ارتباطی به ماقبل و مابعد خود ندارد، باز نمی‌توان به صورت قاطع نزول آیه تبلیغ در مورد حادثه غدیر را منتفی دانست. زیرا در این صورت تناسب آیه تبلیغ با آیات قبل و بعد آن تناسب استطرادی فرض شده و به عقیده دانشمندان علوم قرآنی، یکی از وجوه مهم تناسب آیات و سوره‌ها در قرآن تناسب استطرادی (۱) ۷۵ است.

۱- . در توضیح تناسب استطرادی باید گفت: این تناسب در جایی است که قرآن ضمن بیان یک مساله اصلی بنابر مصالحی رشته کلام را قطع کرده و مطلب جدیدی به ذهن مخاطب خود القا می‌کند، سپس مجدداً به کلام قبلی بازگشته و آن را ادامه می‌دهد، در عین حال کلام استطرادی با کلام اصلی دارای نوعی رابطه و پیوند است. به عنوان مثال به عقیده زمخشری آیه شریفه: «یا بنی آدم قد انزلنا علیکم لباساً یواری سوادکم و ریشا ...» (الاعراف، ۲۶)- که در آن از نعمت لباس سخن رفته است- کلامی بر سبیل استطراد است. زیرا کلام اصلی در اوایل سوره اعراف درباره سرگذشت آدم و حوا، تخلّف آنها در خوردن از درخت ممنوعه و در نتیجه افتادن لباس از اندام آن‌ها و تلاش جهت پوشاندن خود با برگهای درختان است. در چنین فضایی سخن از نعمت لباس برای بنی‌آدم از باب تناسب استطرادی وارد شده که بی ارتباط با زمینه اصلی کلام هم نمی‌باشد. و از این گونه موارد می‌توان به وجود آیه «لن یستنکف المسیح ان یکون عبداً للّٰه ...» (النساء، ۱۷۲) در بین آیات مربوط به تخطئه نصاری در غلوّ آنان نسبت به حضرت مسیح اشاره کرد. تفصیل را نک: الاتقان، ج ۳، ص ۳۷۳، کشاف، ج ۲، ص ۹۷، البرهان، ج ۱، ص ۴۱

ص: ۵۳

اما به عقیده بسیاری از محقّقان آیه تبلیغ در عین آن‌که درباره واقعه غدیرخم نازل شده است، با آیات قبل و بعد از خود نیز هماهنگ بوده و بدون ارتباط نمی‌باشد.

مثلًا محمّدتقی مدرسی می‌نویسد: «قرآن حکیم پس از آنکه مسلمانان را به ولایت تامّه در برابر جامعه اسلامی فرمان داد و آنان را از قبول ولایت کفّار و مشرکان (و یهود و نصاری) به شدّت نهی فرمود، اکنون رسول اللَّه و همه حاملان رسالت الهی را- چون ربّانیون و احبار- مؤکّداً فرمان می‌دهد که در تبلیغ رسالت با هیچ کس مدارا نکنند و راه آشتی در پیش نگیرند، لذا معلوم است که سیاق سخن در این موضوع ولایت یا رهبری است. زیرا همین امر بود که رسول خدا از تأخیر تبلیغ آن، بیمناک مرتد شدن مردم بود.» (۱) ۷۶ در عین حال برای درک بهتر ارتباط آیه تبلیغ با

۱- . تفسیر هدایت، ج ۲، ص ۳۶۷، با عنوان: ولایت قلّه رفیع ایمان

ص: ۵۴

آیات ما قبل و ما بعد آن می‌توان گفت که:

- خداوند متعال در آیه ۵۱ از سوره مائده به مؤمنان تأکید کرده است که از ولایت یهود و نصارا احتراز کنند و به دنبال آن در آیات ۵۲ و ۵۳ از کسانی که تمایل به پذیرش ولایت آنان پیدا کرده‌اند، به شدت انتقاد فرموده است.

در آیه ۵۵ این سوره آیه معروف ولایت ذکر شده است که در آن بر ولایت خدا و رسول او و نیز مؤمنانی که نماز به پا می‌دارند و زکات پرداخت می‌کنند- در حالی که در رکوع به سر می‌برند- تأکید شده است.

ضمناً طبق روایات وارده در شأن نزول آیه، مؤمنانی که در حال رکوع زکات داده‌اند- در زمان نزول آیه- مصداقی جز علی علیه السلام ندارند. (۱) ۷۷ خداوند در آیه ۵۷ این سوره، مجدداً به مؤمنان تکلیف می‌کند که از پذیرش ولایت مسخره‌کنندگان دین- اعمّ از اهل کتاب و کافران- خودداری کنند و با چنین فضا و زمینه‌ای آیات سوره مائده ادامه پیدا می‌کند تا آن‌که در آیه ۶۷ این سوره خطاب به رسول اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

۱- . این موضوع تقریباً مورد اجماع روایات و دیدگاه‌های مفسران قرار دارد. از جمله بنگرید به الکشاف، ج ۱، ص ۶۴۹، معالم التنزیل، ج ۲، ص ۴۹، تفسیر القرآن العظیم، ج ۲، ص ۷۴، مدارک التنزیل، ج ۱، ص ۴۱۸، التبیان، ج ۳، ص ۵۵۹ و نیز بحار الانوار، ج ۳۵، ص ۱۸۳- ۲۰۶

ص: ۵۵

«يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنْ النَّاسِ ...».

و از آنجا که در آیات قبل به نوعی سخن از ولایت به میان آمده است، مفاد آیه تبلیغ نیز- چنان‌که به تفصیل گذشت- چیزی جز اعلام عمومی ولایت و رهبری علی علیه السلام نمی‌باشد.

اما در آیه ۶۸ سوره مائده- یعنی یک آیه بعد از آیه تبلیغ- بار دیگر خطاب متوجه اهل کتاب شده و نسبت به آنان آمده است: «قُلْ يا أَهْلَ الْكِتابِ لَسْتُمْ عَلى شَيْءٍ حَتَّى تُقِيمُوا التَّوْراةَ وَ الْإِنْجِيلَ وَ ما أُنْزِلَ إِلَيْكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ ...» یعنی: «ای اهل کتاب، شما بر هیچ چیزی نیستید (آیین صحیحی ندارید) مگر آن‌که تورات و انجیل و آنچه را از سوی پروردگارتان بر شما نازل شده (یعنی قرآن)، به پا دارید و ...». به عقیده ما عمل به این آیه شریفه توسط اهل کتاب جز اعتراف به حقّانیت رسول خدا صلی الله علیه و آله و ولایت علی علیه السلام نتیجه‌ای در بر ندارد. زیرا مطابق آیات قرآن، نشانه‌های پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در تورات و انجیل مذکور بوده و اهل کتاب نیز به این حقیقت واقف بوده‌اند، لکن آنان از باب حسادت و عناد به کتمان حقایق اقدام می‌نمودند. (۱) ۷۸ و

۱- . بنگرید به سوره اعراف آیه ۱۵۷ با فراز: «يَجِدُونَهُ مَكْتُوباً عِنْدَهُمْ فِي‌التَّوْراةِ وَالْإِنْجِيلِ» و سوره بقره آیه ۱۴۶ و سوره انعام آیه ۲۰ که می‌فرماید: «الَّذِينَ آتَيْناهُمُ الْكِتابَ يَعْرِفُونَهُ كَما يَعْرِفُونَ أَبْناءَهُمْ وَ ...»

ص: ۵۶

در واقع به نوعی خواهان ادامه سلطه و ولایت خود بودند.

با توجه به این تحلیل، چنان‌که برخی از مفسران نوشته‌اند: «مفاد آیه تبلیغ دستوری است که از سوی خدا به پیامبر صلی الله علیه و آله برای اعلام استقلال مسلمانان از یهود و انتقال ولایت و خلافت از آنان به مسلمانان نازل شده و همچنین تأکید بر این‌که رسول خدا صلی الله علیه و آله این مطالب را صریحاً به مردم ابلاغ کند و هراسی از دشمنان به دل راه ندهد که خداوند او را محافظت خواهد کرد. در این صورت مراد از «النّاس» (مردمی که بیم زیان رساندن از سوی آنان می‌رود) اعمّ از یهودیان و کافران و مسلمان نماهای منافق است؛ چرا که آن‌ها فکر می‌کردند چون پیامبر صلی الله علیه و آله پسر و جانشینی ندارد، با مرگ او همه چیز تمام می‌شود و آن‌ها بار دیگر سلطه خود را پس از مرگ رسول خدا صلی الله علیه و آله باز خواهند یافت و بدیهی است که آیات پیشین مبنی بر کنار گذاردن ولایت یهود و نصارا و تمسک به ولایت خدا و پیامبر و پس از پیامبر صلی الله علیه و آله به ولایت علی علیه السلام، دشمنان را سخت ناراحت سازد و در صدد توطئه برآیند؛ چون این ابلاغ در واقع به منزله سلب ولایت و خلافت زمین از یهود و نصارا و انتقال آن به مسلمانان و ادامه آن بعد از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است» (۱) ۷۹.

همچنین می‌توان آیه تبلیغ را زمینه و عاملی جهت مقایسه وضعیت احتمالی مسلمانان در آینده و سرنوشتی که

۱- . تفسیر کاشف، ج ۳، ص ۱۵۲

ص: ۵۷

یهودیان و نصرانیان بدان دچار شده، در نظر گرفت و از آن این پیام را دریافت نمود که: «ای رسول ما! امت اسلامی نیز مانند یهود و نصارا نیازمند آن هستند که بعد از تو مولا و رهبری داشته باشند تا از رهنمود او بهره‌ور گردند. اگر امت اسلامی بعد از تو بی مولا و رهبر بمانند به سرنوشتی بدتر و شوم‌تر از سرنوشت یهود و نصارا دچار خواهند گشت. از این رو مفاد آیتی را که از سوی پروردگارت بر تو نازل شد و اولین مولای مؤمنین را که بعد از تو باید بر مسند بنشیند و با ذکر یک نشانی به حضورت معرفی کرد، به مردم ابلاغ کن و آن کسی را که در حال رکوع انفاق می‌کرد: «الَّذِینَ یُقِیمُونَ الصَّلاةَ وَیُؤْتُونَ الزَّکاةَ وَهُمْ راکِعُونَ» (۱) ۸۰ به مردم بشناسان» (۲) ۸۱.

بدین ترتیب: «روابط و همگونی آیات نشان می‌دهد که آیه تبلیغ در عین ارتباط کامل با قوم یهود، بر مهم‌ترین چیزی که بر پیغمبر صلی الله علیه و آله نازل شده و نیز پیغمبر صلی الله علیه و آله مأمور به ابلاغ آن است یعنی اعلام پایان خلافت و ولایت یهود و آغاز ولایت خدا، رسول خدا صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام، دلالت می‌کند». (۳) ۸۲

۱- . المائده: آیه ۵۵

۲- . معانی‌القرآن، ج ۱، ص ۱۱۸ و نیز بنگرید به پژوهشی در نظم قرآن، ص ۱۰۹

۳- . تفسیر کاشف، ج ۳، ص ۱۵۸

ص: ۵۸

۴- ۳- چرا در آیه تبلیغ نام علی علیه السلام وجود ندارد؟

یکی از اشکالاتی که در بحث امامت قابل طرح است آنکه با توجّه به این موضوع که امامت از جمله مسائل اعتقادی است، چرا در آیات قرآن به ویژه «آیه تبلیغ» نام علی علیه السلام وارد نشده، بلکه تنها تعبیر اجمالی «ما أُنْزِلَ إِلَيْكَ» به چشم می‌خورد. در پاسخ باید گفت: این اشکال برای کسانی که نسبت به روش قرآن در طرح مباحث گوناگون اعتقادی، اجتماعی، تاریخی، و ... بدون اطلاع بوده، علاوه بر آن آیات قرآن را جدا از شرایط تاریخی عصر نزول، اسباب نزول آیات و نیز قرائن متصله و منفصله تفسیری، مورد توجّه و احیاناً تفسیر قرار می‌دهند، به ظاهر اشکال واردی است. امّا در صورتی که اوّلًا به سبک و روش قرآن- در طرح بسیاری از مطالب خود به شکل اجمالی- توجّه شود، ثانیاً مبنای قرآن جهت روشن کردن مطالب اجمالی مدّنظر قرار گیرد، آن وقت اشکال یاد شده دفع و مشخص می‌شود که حقایق قرآن برای طالبان حقیقت به شکل کاملًا مطلوب بیان شده است. به عبارت دیگر کافی است که دو مطلب به شرح زیر مورد توجّه مخاطبان آیات الهی واقع شود:

الف: قرآن کریم در بسیاری از زمینه‌ها از جمله

ص: ۵۹

زمینه‌های اعتقادی، اجتماعی، تاریخی و احکام عبادی به نحو اجمال سخن رانده است.

ب: طبق نصّ قرآن، از جمله آیه ۴۴ سوره نحل و آیه ۲ سوره جمعه، رسول خدا صلی الله علیه و آله مأمور تبیین حقایق قرآن برای مردم است. (۱) ۸۳ ضمناً رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز جهت امتثال امر پروردگار با دو روش قولی و فعلی به تبیین همه آیات قرآن اقدام نمود و مطابق برخی از روایات در مسیر آموزش حقایق قرآن ده آیه ده آیه به تعلیم حقایق آیات مبادرت می‌ورزید. (۲) ۸۴ حال باید گفت: اگر قرار باشد که سنن قولی و فعلی رسول خدا صلی الله علیه و آله در زمینه آیاتی چون: «أقیموا الصلاة وآتوا الزکاة» (۳) ۸۵ یا «أتمّوا الحجّ والعمرة للّه» (۴) ۸۶ حجّت واقع شده و مسلمانان اقامه نماز، پرداخت زکات و برگزاری حج و عمره خود را بر اساس آن تنظیم کنند، چرا قول و فعل رسول خدا صلی الله علیه و آله در تعیین مصادیق اهل بیت در آیه تطهیر (۵) ۸۷ یا

۱- . در آیه ۴۴ سوره نحل خداوند می‌فرماید: «وَ أَنْزَلْنا إِلَیْکَ الذِّکْرَ لِتُبَیِّنَ لِلنَّاسِ ما نُزِّلَ إِلَیْهِمْ» یعنی: (ای رسول ما) این ذکر (قرآن) را بر تو فرستادیم تا برای مردم آنچه نازل شده تبیین نمایی. و در سوره جمعه نیز خداوند با بیان: «... یتلوا علیهم آیاته و یزکّیهم ویعلمهم الکتاب والحکمة و ..» در ارتباط با قرآن از دو شأن پیامبر صلی الله علیه و آله پرده برمی‌دارد که عبارتند از: الف: تلاوت آیات الهی برای مردم، ب: تعلیم حقایق کتاب و حکمت برای آنان

۲- . تفسیر القرآن العظیم، ج ۱، ص ۴

۳- . البقره، آیه ۴۳

۴- . همان، آیه ۱۹۶

۵- . الاحزاب، آیه ۳۳

ص: ۶۰

تبیین مفاد «ما أُنْزِلَ إِلَیْکَ» در آیه تبلیغ مورد توجّه قرار نگیرد؟ آیا می‌توان حجّیت قول و فعل رسول خدا صلی الله علیه و آله را تنها محدود به آیات معیّنی از قرآن دانست؟ یا آنکه احادیث وارده در زمینه رفتار رسول خدا صلی الله علیه و آله پیرامون آیات تبلیغ، اولواالامر، تطهیر و ... از قوّت و شهرت کمتری برخوردار است؟ که هرگز چنین نیست. این استدلالی است که امام صادق علیه السلام در پاسخ سؤال ابوبصیر به کار برده و او را قانع ساخته است. طبق این حدیث ابوبصیر گوید:

از امام صادق علیه السلام سؤال کردم: آیه «اطیعوا اللّه وأطیعوا الرسول وأولی الامر منکم»، (۱) ۸۸ درباره چه کسانی نازل گردید؟

امام علیه السلام فرمود: «این آیه در شأن علی و دو فرزندش حسن و حسین علیهم السلام نازل گردید.»

ابوبصیر گوید: باز سؤال کردم که: مردم می‌گویند از چه جهت خداوند نام علی علیه السلام و خاندانش را نبرده است؟ امام صادق علیه السلام فرمود: «در پاسخ به مردم بگویید: دستور نماز خواندن بر رسول خدا صلی الله علیه و آله نازل گردید، در حالی که سخنی از سه رکعت و چهار رکعت در میان نبود، و این رسول خدا صلی الله علیه و آله بود که رکعات نماز را تفسیر کرد. دستور پرداخت زکات نازل شد، امّا در آن نیامده بود که از چهل درهم یک

۱- . النساء، آیه ۵۹

ص: ۶۱

درهم بپردازید، و این رسول خدا صلی الله علیه و آله بود که نصاب زکات را تفسیر کرد. دستور حج نازل شد در حالی که در آن نیامده بود که هفت نوبت طواف کنید، و این رسول خدا صلی الله علیه و آله بود که مراسم طواف را تفسیر کرد. بر همین پایه فرمان خدا نازل گشت که: «از خدا و رسول خدا صلی الله علیه و آله اطاعت کنید و نیز از آنان که از بین شما صاحبان امر باشند.» که مصداق آن درباره علی و حسن و حسین علیهم السلام ثابت و پابرجا ماند. زیرا در ارتباط با این دستور بود که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «هر مؤمنی که من سرپرست و مولای او هستم، علی مولا و سرپرست او خواهد بود.» و باز فرمود: «به شما مؤمنان سفارش می‌کنم که از کتاب خدا و خاندان من جدا مشوید که من از خدا خواسته‌ام که میان قرآن و خاندانم جدایی نیفکند تا قیامت که بر حوض کوثر آنان را به من ملحق می‌سازد و خداوند پذیرفت» ... بدانید که اگر رسول خدا صلی الله علیه و آله لب فرومی‌بست و خاندان خود را معرفی نمی‌کرد، خاندان فلان و بهمان مدّعی می‌شدند که ما صاحب الأمر شماییم.» (۱) ۸۹ علاوه بر پاسخ یاد شده، می‌توان به مصلحت‌های دیگری جهت عدم ذکر نام امامان در آیات قرآن اشاره کرد. از جمله آنکه، آیات قرآن، اخبار و حوادث عصر رسول خدا صلی الله علیه و آله و معرفی اشخاص و جریان‌ها را به گونه‌ای گزارش کرده تا حساسیت خاصی جهت تحریف و از بین

۱- . الکافی، ج ۱، ص ۲۸۷

ص: ۶۲

بردن قرآن به وجود نیاید و همین موضوع یکی از دلایل عدم ذکر اسامی شخصیت‌های متعالی و در نقطه مقابل شخصیت‌های مذموم از منافقان و جزء آن است. ضمناً روش قرآن در بیان مسائل اجتماعی، تأکید بر طرح اوصاف و ویژگی‌های افراد و جریان‌های مؤثر است تا معرفی صریح اشخاص و مصادیق هر جریان. و از این جهت این فرصت را برای مخاطبان خود فراهم می‌آورد که به تطبیق آن ویژگی‌ها بر خود اقدام کنند. به عنوان نمونه در شرایطی که بر اساس تفاسیر معتبر، مصادیق ابرار در سوره دهر یا انسان، علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام هستند، (۱) ۹۰ معهذا با بیان ویژگی‌های این نیکوکاران این امکان وجود دارد که هر کس بتواند به روش آنان تأسی کرده و به تدریج در مصادیق ابرار قرار گیرد.

زمخشری در تفسیر آیه: «إِنَّما وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكاةَ وَ هُمْ راكِعُونَ» (۲) ۹۱ یعنی: همانا ولی (و سرپرست) شما خدا و رسول او هستند و نیز کسانی که ایمان آورده‌اند، همان‌ها که نماز بپا می‌دارند و در حالی که در رکوع به سر می‌برند

۱- . از جمله بنگرید به الکشاف، ج ۴، ص ۶۷۰، مفاتیح الغیب، ج ۳۰، ص ۲۴۴، انوار التنزیل، ج ۲، ص ۵۵۲ و مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۶۱۱

۲- . المائده، آیه ۵۵

ص: ۶۳

زکات می‌دهند، نخست شأن نزول آیه را- که درباره علی علیه السلام است- نقل کرده و سپس به طرح سؤالی می‌پردازد و آن اینکه: «اگر کسی بگوید چگونه صحیح است که آیه در شأن علی علیه السلام نازل شده باشد، در صورتی که لفظ «الذین» به صورت جمع به کار رفته است، خواهم گفت:

در این آیه با آنکه آیه درباره یک فرد نازل شده، لفظ جمع به کار رفته تا آنکه سایر مردم نیز به چنین کاری ترغیب شوند و به ثوابی مانند ثواب علی علیه السلام دست یازند». (۱) ۹۲ البته سخن زمخشری سخن بسیار درستی است جز آنکه تاریخ سراغ ندارد که پس از علی علیه السلام کس دیگری در حال رکوع به انفاق مال خود دست زده باشد.

۴- ۴- چرا پیامبر صلی الله علیه و آله از اعلام ولایت علی علیه السلام واهمه داشت؟

با وجود تأکیدهای مکرّر رسول خدا صلی الله علیه و آله بر افضلیت علی علیه السلام در بین صحابه، به دلایل زیر مخالفت‌هایی با رهبری علی علیه السلام وجود داشته است:

الف- علی علیه السلام در بین اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله دارای فضایل و مناقبی است که احدی در آن‌ها با آن حضرت شریک نمی‌باشد. علی علیه السلام خود در سخنی شمار این فضایل را

۱- . الکشاف، ج ۱، ص ۶۴۹ و نیز بنگرید به مدارک التنزیل و حقایق التأویل، ج ۱، ص ۴۱۸

ص: ۶۴

هفتاد مورد اعلام فرموده است (۱) ۹۳. از جمله این فضایل نزول آیات و سوره‌هایی از قرآن در شأن آن حضرت است که به عنوان نمونه می‌توان به آیـات لیلـهٔ المبیت، ولایت، مباهله، تطهیر، اولوالامر، تبلیغ، سـقایهٔ الحاج، مودّت، نجوی، خیر البریه، و ... سوره دهر اشاره کرد.

خلق حماسه‌های بزرگ در جنگ‌های بدر، احد، احزاب، فتح مکه و انجام مأموریت‌های مهم مانند ابلاغ آیات ابتدای سوره توبه در جمع مشـرکان، مأموریت یمن، مانـدن در مدینه در جریان جنگ تبوک، شـرکت در جریان مباهله، گوشه‌های دیگری از این فضایل اختصاصـی را نشـان می‌دهـد. در گفت‌وگوی سـعدبن ابی‌وقاص با معاویه، که مسـلم در صـحیح خود آن را نقل کرده است، آمـده است که علی علیه السـلام دارای سه فضـیلت اختصاصـی بوده است که سـعد حاضـر نبود یکی از این فضایل را (در صورتی که دارا بود) با شتران سـرخ مو عوض کند. این فضایل از نظر سـعدبن ابی‌وقاص، نقش آفرینی علی علیه السلام در جنگ خیبر، شرکت علی علیه السلام در جریان مباهله و صدور حدیث منزلت درباره او بود (۲) ۹۴.

۱- . البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۳۰۹ ذیل تفسیر آیه نجوی، ضـمناً تفصـیل این فضائل هفتادگانه را بنگرید به کتاب البیان الجلی فی أفضلیهٔ مولی أمیرالمؤمنین، ص ۲۳۰ با عنوان: الفضائل السبعین التی تفرّد بها علی ولیس لاحدٍ فیها نصیب

۲- . صحیح مسلم، ج ۴، ص ۱۸۷۱

ص: ۶۵

بـدیهی است که ظهور چنین فضـایلی در شخصـیت علی علیه السـلام زمینه سـاز حسادت‌هـا و رقابت‌هـای فراوان در مقابل علی علیه السـلام می گردیـد و در شـرایطی به بدگوییهایی درباره آن حضـرت نیز میانجامید. با چنین زمینه‌ای طرح رهبری علی علیه السـلام بعد از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله چه واکنشی می‌توانست داشته باشد؟

ب- چنان‌که می‌دانیم علی علیه السـلام در جنگ‌های اسـلام (از جمله: بـدر، احـد، احزاب، حنین و ...) بسـیاری از پهلوانان قریش و سران شـرك و کفر را به خاك افکند؛ کسانی که بعدها بسـتگانشان- پس از فتح مکه- به اسـلام گرویدند. این موضوع چیزی نبود که خاطره آن به سـرعت از اذهان زدوده شود؛ آنهم در بین اعراب که مهم‌ترین عامل وحـدتشان پیوندهای خونی و اتحادهای قومی و قبیلگی بود. از این رو حتی پس از برچیده شدن بت‌پرستی و مسلمان شدن بزرگان قریش از جمله ابوسفیان، کینه‌توزی قریش و به خصوص بنی‌امیه نسبت به پیامبر صـلی الله علیه و آله و علی علیه السـلام از بین نرفت و آنان گر چه به ظاهر اسلام را پذیرفته بودند، اما همواره مترصّد تصـفیه حساب با رسول خدا صـلی الله علیه و آله و خاندان او بودند. حادثه رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز نشـان داد که قریش مهم‌ترین نقش را در تحولاـت جـامعه اسـلامی ایفـا کرده و نه تنهـا اهـل بیت پیامبر صـلی الله علیه و آله، که انصار مدینه را نیز از بسیاری از حقوقشان محروم نمود. در این شرایط رهبری علی علیه السلام که

ص: ۶۶

ادامه دهنده راه پیامبر صلی الله علیه و آله بود، برای قریش امری ناگوار به شمار می‌آمد و پیامبر صلی الله علیه و آله نگران مخالفت علنی آنان و به طور کلی کارشکنی منافقان در معرفی علی علیه السلام به عنوان جانشین خود بود.

ج- علی علیه السلام در همان زمانِ پیامبر صلی الله علیه و آله به عنوان شخصیتی مؤمن و سازش‌ناپذیر ظاهر گردید. رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره او دعا فرمود که:

«اللهم ادر الحقّ معه حیث دار» (۱) ۹۵.

«خدایا حق را همواره با او قرار بده».

با توجه به این مطلب، علی علیه السلام تجسّم ایمان و محور حق و حقیقت بود و در راه رضای خدا و کسب خشنودی پیامبر صلی الله علیه و آله از هیچ کوششی دریغ نمی‌کرد. روشن است که چنین شخصیتی برای بسیاری از بیمار دلان و نفاق پیشگان قابل تحمل نبود. به‌تدریج وجود مبارک علی علیه السلام به عنوان میزان و معیاری جهت تمایز مؤمنان از منافقان درآمد.

چنان‌که ابوسعید خُدری می‌گوید: «ما جماعت انصار، منافقان را از میزان بغضی که به علی داشتند می‌شناختیم» (۲) ۹۶.

با توجه به چنین شخصیتی از علی علیه السلام، پیامبر صلی الله علیه و آله می‌دانست که معرفی آن حضرت به عنوان جانشین خود خالی از دشواری نخواهد بود. به‌ویژه آنکه برخی از

۱- . سنن ترمذی، ج ۵، ص ۵۲۲

۲- . همان، ص ۵۹۳

ص: ۶۷

بیماردلان این تصوّر را به اذهان سرایت می‌دادند که پیامبر صلی الله علیه و آله با ملاحظات خویشاوندی از پسر عمو و داماد خود جانبداری کرده است. (۱) ۹۷ ضمناً از سخنان برخی از مخالفان و رقیبان علی علیه السلام بر می‌آید که آنان جوانی علی علیه السلام را بهانه‌ای برای دور کردن آن حضرت از صحنه امامت عنوان کردند (۲) ۹۸.

ناگفته نماند که رسول خدا صلی الله علیه و آله به جهت تحکیم ارزش‌های اسلامی و از بین بردن فرهنگی که زاییده نظام جاهلیت بود، عملًا جوانان لایق را به مناصب حسّاس می‌گمارد که البته در بسیاری از مواقع نسبت به انتصابات رسول گرامی صلی الله علیه و آله واکنش‌های مخالف به عمل می‌آمد. به عنوان مثال رسول خدا صلی الله علیه و آله در آخرین روزهای حیات خود به مسلمانان دستور داد تا در رکاب اسامهٔبن زید بسیج شوند و به سمت تبوک حرکت کنند، اما عده زیادی از مردم از این دستور تخلف کردند با این بهانه که پیامبر صلی الله علیه و آله جوانی کم سن و سال را بر قاطبه مهاجرین و انصار امارت داده است.

امّا رسول خدا صلی الله علیه و آله متخلفان را مورد لعنت قرار داد و با همان حال بیماری به مسجد آمده و پس از حمد و ثنای خدا چنین فرمود:

۱- . التفسیر الکاشف، ج ۳، ص ۹۷

۲- . بنگرید به: الغدیر، ج ۲، صص ۳۷۰ و ۳۷۱، به نقل از شرح ابن‌ابی‌الحدید

ص: ۶۸

«هان ای مردم! من از تأخیر حرکت سپاه ناراحتم. گویا فرماندهی اسامه بر گروهی از شما گران آمده و زبان به انتقاد گشوده‌اید، ولی اعتراض و سرپیچی شما تازگی ندارد. شما قبلًا از فرماندهی پدر او «زید» هم انتقاد می‌کردید. به خدا سوگند هم پدر او شایسته این منصب بود و هم فرزندش برای این مقام لایق و شایسته است» (۱) ۹۹.

در جریان جنگ تبوک نیز رسول خدا صلی الله علیه و آله علی علیه السلام را به جای خود در مدینه قرار داد و خود با سپاهیان عازم تبوک گردید. منافقان که حضور علی علیه السلام را در شهر مانع اجرای نقشه‌های خود می‌دانستند، زبان به انتقاد گشودند و شایع نمودند که رسول خدا صلی الله علیه و آله علی علیه السلام را در ردیف زنان و کودکان قرار داده و به این جهت از همراه ساختن آن حضرت با خود صرف نظر کرده است. هنگامی که علی علیه السلام گزارش این شایعه‌پراکنی را به گوش رسول‌خدا صلی الله علیه و آله رساند، آن حضرت ضمن دلداری علی علیه السلام او را مجدداً به مدینه بازگرداند و خطاب به او فرمود:

«انت منّی بمنزلة هارون من موسی الّا انّه لا نبیّ بعدی» (۲) ۱۰۰.

۱- . السیرة النبویة، ج ۴، ص ۳۰۰، تاریخ الیعقوبی، ج ۲، ص ۱۱۳ و سیرة المصطفی، ص ۷۰۵- ۷۱۰ با عنوان: جیش اسامه

۲- . صحیح مسلم، ج ۴، ص ۱۸۷۱، السیرة النبویة، ج ۴، ص ۱۶۳، تاریخ الطبری، ج ۳، ص ۱۰۴، ارشاد مفید، ج ۱، ص ۲۰۶

ص: ۶۹

یعنی: «تو نسبت به من همانند هارون نسبت به حضرت موسی علیه السلام هستی؛ با این تفاوت که پیامبری بعد از من نخواهد بود.» طبیعی است که وقتی در حیات رسول خدا صلی الله علیه و آله چنین مواضعی نسبت به انتصاب‌های پیامبر صلی الله علیه و آله و به خصوص جانشینی علی علیه السلام وجود داشته باشد، میزان مخالفت‌ها در تعیین علی علیه السلام به عنوان جانشین دائمی رسول خدا صلی الله علیه و آله بیشتر خواهد بود. و این همان حقیقتی است که موجب نگرانی رسول خدا صلی الله علیه و آله بود و آن حضرت را در ابلاغ پیام الهی به صورت علنی دچار تردید می‌ساخت تا آن‌که خداوند با وعده: «وَاللَّهُ یَعْصِمُکَ مِنَ النَّاسِ»، به آن حضرت تکلیف نمود که در ادای رسالت الهی خود تعلّل نکند که در غیر این‌صورت رسالت او ناقص خواهد بود.

۴- ۵- در حدیث غدیر «مولا» به چه معنی است؟

یکی از مسائلی که از دیر باز بین شیعه و سنّی مطرح بوده است، بحث در مفهوم «مولا» است. به عقیده شیعه کلمه مولا در عبارت: «من کنت مولاه فهذا علی مولاه» معنایی جز اولی به تصرّف و رهبر ندارد؛ در حالی‌که مفسران اهل سنت کلمه «مولا» را به معنای ناصر و یاور دانسته‌اند.

صاحب تفسیر المنار در این زمینه می‌نویسد: «به عقیده

ص: ۷۰

اهـل سـنت حـدیث غـدیرخم بر ولایت سـلطه که عبارت از امامت یا خلافت است، دلالتی نـدارد. زیرا این لفظ به این معنا در قرآن وارد نشده است. بلکه مراد از ولایت در این حدیث ولایت نصرت و مودت است که خداوند با تعبیر: «بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ» (۱) ۱۰۱ آن را دربـاره مؤمنـان و کافران به کار برده است. بنابراین معنی حـدیث چنین خواهـد بود که: هر کس من دوست و ناصـر او باشم، علی علیه السلام هم دوست و ناصر اوست. یا: هر کس که مرا دوست دارد و یاری می‌رساند، علی علیه السلام را هم دوست بدارد و یاری کند.» (۲) ۱۰۲ در نقـد این نظریه بایـد گفت: کلمه مولاـ در زبـان عرب به معانی گوناگونی اسـتعمال شـده است که از جمله می‌توان به معانی دوست، یاور، سید، مالک، صاحب پیمان و سرپرست و اولی به تصرف اشاره کرد. و در مواردی که یک کلمه در معانی مختلفی اسـتعمال می‌شود، مطابق عرف حاکم در ادبیات، قرائن داخلی و خارجی کلام و سخن، تعیین کننده معنای واقعی آن کلمه خواهـد بود. و با توجه به قرائنی که در حـدیث غـدیر وجود دارد، کلمه مولا به معنایی جز سـرپرست و رهبر نباید تفسـیر شود. تعداد این قرائن بسیار زیاد است و مرحوم علامه امینی در کتاب الغدیر تا

۱- . المائده: آیه ۵۱

۲- . تفسیر المنار، ج ۶، ص ۴۶۵

ص: ۷۱

بیست قرینه از قرائن مختلف را بر شمرده است (۱) ۱۰۳. در اینجا به مهم‌ترین این قرائن اشاره می گردد:

الف- برخلاف نظر صاحب المنار نه تنها کلمه مولا از نظر لغوی به معنای اولی استعمال شده، بلکه در قرآن کریم نیز این کلمه در معنای «اولی» به کار رفته است. شاهد این مطلب آیه ۱۵ از سوره حدید است که می‌فرماید:

«فَالْيَوْمَ لَايُؤْخَذُ مِنْكُمْ فِدْيَةٌ وَلَا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا مَأْوَاكُمُ النَّارُ هِيَ مَوْلَاكُمْ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ».

«امروز از شما (منافقان) و نه از کافران، فدیه‌ای پذیرفته نمی‌شود. جایگاه شما آتش است و آتش اولی و سزاوارتر است به شما. و چه بد سرانجامی است.»

چنان‌که ملاحظه می‌شود لفظ مولا در این آیه نمی‌تواند به معنای دوست و یاور باشد بلکه به معنی اولی و سزاوارتر است. زمخشری در تفسیر آیه به عنوان نخستین احتمال در معنای «هی مولاکم» نوشته است: «هی أولی بکم» و سپس به شعری از لبید در این خصوص استشهاد کرده است. (۲) ۱۰۴ و طبرسی نیز «هی مولاکم» را به این صورت تفسیر کرده است که: «هی اولی بکم لما اسلفتم من

۱- . الغدیر، ج ۲، صص ۳۳۹- ۳۶۴ تحت عنوان: قرائن معیّنة

۲- . الکشاف، ج ۴، ص ۴۷۶

ص: ۷۲

الذنوب» (۱) ۱۰۵ یعنی آتش به شما سزاوارتر است به جهت گناهانی که مرتکب شدید و شمار دیگری از مفسّران که علّامه امینی در الغدیر به بیان نظر آنها در معنای مولا به معنای اولی در آیه مذکور پرداخته است. (۲) ۱۰۶ ب- چنانکه در بحث فلسفه واقعه غدیر گذشت، مسأله دوستی علی علیه السلام با مؤمنان و بالعکس مودّت مؤمنان با علی علیه السلام، مطلبی نبود که نیاز به تأکید و بیان داشته باشد.

قرآن کریم می‌فرماید:

«وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ ...». (۳) ۱۰۷

«مردان و زنان با ایمان برخی نسبت به دیگری ولی و یاور یکدیگرند.»

و بالاتر از آن تصریح می‌کند که:

«إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ ...»؛ (۴) ۱۰۸

«مؤمنان در حکم برادران یکدیگرند.»

با توجه به این حقایق، چه معنا دارد که رسول خدا صلی الله علیه و آله کاروان عظیم همراهان خود را در بیابانی گرم و سوزان نگه دارد و تنها پیام دوستی با علی علیه السلام را ابلاغ فرماید؟!

ج- رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله قبل از معرفی علی علیه السلام به

۱- . مجمع البیان، ج ۹، ص ۳۵۵

۲- . بنگریدبه: الغدیر، ج ۲، ص ۲۹۷- ۳۰۱ با عنوان مفعل به معنای افعل

۳- . التوبه: آیه ۷۱

۴- . الحجرات: آیه ۱۰

ص: ۷۳

عنوان مولای مؤمنان، ابتدا مردم را مورد خطاب قرار داد که:

«الست اولی بکم من انفسکم؟».

«آیا من نسبت به شما از خود شما سزاوارتر نیستم؟»

و بعد از آن‌که مردم اقرار کردند که پیامبر صلی الله علیه و آله از آنان به خودشان سزاوارتر است حضرت فرمود:

«من کنت مولاه فهذا علی مولاه».

به گفته علامه امینی اکثر قریب به اتفاق دانشمندانی که حدیث غدیر را روایت کرده‌اند، حدیث را با همین مقدمه- یعنی: الست اولی بکم من انفسکم- ذکر کرده‌اند (۱) ۱۰۹.

با توجه به این جمله رسول خدا صلی الله علیه و آله «مولا» معنایی جز اولی به تصرف نخواهد داشت. زیرا سخن رسول خدا صلی الله علیه و آله نـاظر به اختیاراتی است که مطابق آیه: «... النَّبِیُّ أَوْلَی بِالْمُؤْمِنِینَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ ...»؛ (۲) ۱۱۰ خداوند برای رسول خود معین کرده است. بدون شک توجّه به فراز: «ألست أولی بکم من أنفسکم» که از قسمت‌های قطعی خطبه غدیر به شمار می‌رود، مهم‌ترین قرینه در شناخت معنای «مولا» به اولی به تصرّف یا سرپرست است. این مطلبی است که دانشمندان شیعه همانند شیخ صدوق در معانی الاخبار به آن توجّه

۱- . الغدیر، ج ۲، ص ۳۴۰، با نقل از ۶۴ نفر از بزرگان اهل سنت

۲- . احزاب، ۶

ص: ۷۴

ویژه داده‌اند. (۱) ۱۱۱ علّامه امینی در یک استدلال می‌نویسد: «اگر رسول خدا صلی الله علیه و آله در سخن خود برای مولا غیر از معنایی که در مقدمه کلام خود یعنی: «ألست أولی بکم من أنفسکم» وجود دارد، معنای دیگری اراده فرموده بود، در این صورت باید گفت که رشته ارتباط بین قسمت‌های مختلف کلام آن حضرت گسیخته شده و سخن پیامبر صلی الله علیه و آله فاقد بلاغت گردد. در حالی که آن حضرت افصح بلغاء و نیز بلیغ‌ترین کسی است که به زبان عربی دهن گشوده است، لذا جز اذعان و اعتراف به ارتباط اجزاء کلام آن حضرت با متّحد دانستن معنی کلمه (مولا) در مقدّمه و ذی‌المقدمه، راهی نیست و حق هم در هر کلامی که از وحی الهی سرچشمه گرفته جز آن نیست. (۲) ۱۱۲ د- تبریک‌هایی که مردم در این واقعه تاریخی به علی علیه السلام گفتند، مخصوصاً تبریک‌های عمر و ابوبکر، نشان می‌دهد که مسأله غدیر چیزی جز مسأله نصب علی علیه السلام به خلافت نبوده است. زیرا اعلام دوستی با علی علیه السلام مطلبی نیست که در خور تبریک عمومی مسلمانان باشد. به طوری که از روایات تاریخی بر می‌آید، عمر علی علیه السلام را ملاقات

۱- . معانی الاخبار، ص ۶۵، معنی قول النبی صلی الله علیه و آله: «من کنت مولاه فعلی مولاه»

۲- . الغدیر، ج ۲، ص ۳۴۱

ص: ۷۵

کرد و به او گفت:

«هنیئاً یابن ابی طالب! اصبحت مولای و مولی کل مؤمن و مؤمنهٔ» (۱) ۱۱۳.

«گوارا باد بر تو ای فرزند ابوطالب! تو مولای من و مولای هر مرد و زن باایمان گشتی.»

و نظیر این جمله از ابوبکر هم نقل شده است.

شیخ مفید آورده است که، پیامبر صلی الله علیه و آله پس از معرفی علی علیه السلام به جانشینی خود، به اقامه نماز ظهر پرداخت و سپس در خیمه و چادر خود نشست و به علی علیه السلام دستور فرمود: در چادری برابر چادر او بنشیند. سپس به مسلمانان دستور فرمود دسته دسته نزد او بروند و به منصب جدید، او را مژده دهند و به عنوان امارت و فرمانروایی مؤمنان بر او سلام گویند. پس مردمان این کار را کردند. سپس به همسران خود و زنان دیگر مسلمانان که همراه او بودند دستور فرمود پیش او بروند و به امارت مؤمنین بر او سلام کنند و آنان نیز چنین کردند. از جمله کسانی که در بشارت سخن را به درازا کشاند و بیش از دیگران اظهار شادمانی کرد عمر بن خطاب بود که گفت: به به ای علی! امروز دیگر تو فرمانروای من و فرمانروای هر مرد مؤمن و زن مؤمنه‌ای شدی. (۲) ۱۱۴

۱- . تفسیر مفاتیح الغیب، ج ۱۲، ص ۵۰

۲- . ارشاد مفید، ج ۱، ص ۲۳۸

ص: ۷۶

ه- اشعاری که در این باره سروده شده است گواه دیگری است که نشان می‌دهد سرایندگان این اشعار از کلمه مولا دریافتی غیر از امامت و رهبری نداشته‌اند. مثلًا در اشعار حسّان‌بن ثابت آمده است که:

فقال له قم یا علیّ فانّنی‌رضیتک من بعدی إماماً و هادیاً (۱) ۱۱۵

یعنی: پیامبر صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام فرمود: برخیز، زیرا من تو را بعد از خودم امام و هادی انتخاب کرده‌ام.

علاوه بر اشعار، روایاتی نیز از برخی از صحابه نقل شده است که بر این مطلب تأکید می‌کند که بعد از نزول آیه تبلیغ و واقعه غدیرخم، علی علیه السلام به عنوان مولا و رهبر مؤمنان شناخته گردید.

سیوطی از ابن‌مسعود روایت می‌کند که او گفته است:

«ما در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله آیه تبلیغ را به این صورت می‌خواندیم: «یَا أَیُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَیْکَ ...»- انّ علیّاً مولی المؤمنین- «وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَما بَلَّغْتَ رِسالَتَهُ» (۲) ۱۱۶ که البته مقصود ابن‌مسعود از «انّ علیّاً مولی المؤمنین» توضیح «ما أُنْزِلَ إِلَیْک» می‌باشد نه آن‌که قسمتی از آیه حذف شده باشد. (۳) ۱۱۷

۱- . اعلام الوری، ج ۱، ص ۲۶۳، ارشاد مفید، ج ۱، ص ۲۴۰

۲- . سیوطی، ج ۲، ص ۲۹۸ و نیز تفسیر فتح القدیر شوکانی، ج ۱، ص ۶۰

۳- . الدرالمنثور، ج ۲، ص ۲۹۸ و نیز بنگرید به: القرآن الکریم و روایات المدرستین، ج ۲، ص ۱۹۱

ص: ۷۷

و- پس از جریان غدیرخم آیه «الْیَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِینَكُمْ ...». نازل گردید و این مطلب خود قرینه دیگری است که لفظ مولی در حدیث غدیر معنایی جز رهبری و سرپرستی ندارد.

به توضیح دیگر در برخی از روایات از «ولایت» به عنوان فریضه‌ای در کنار دیگر فرائض مهم الهی مانند: نماز، زکات، حج و روزه یاد شده و بلکه افضل از آنها به شمار آمده است. مانند این حدیث امام باقر علیه السلام که می‌فرماید: «بنی الاسلام علی خمس: علی الصلاهٔ والزکاهٔ والصوم والحج والولایهٔ ولم یناد بشیء کما نودی بالولایهٔ». (۱) ۱۱۸ امام باقر علیه السلام در حدیث دیگر «ولایت» را آخرین فریضه نازله اعلام می‌کند که با نزول آن دین خداوند کامل گشت. (۲) ۱۱۹ در صورتی که مولا به معنای دوست و ولایت به معنی دوستی باشد این موضوع در آیات مختلفی- قبل از آیه تبلیغ- وارد شده و تأکید بر آن ارتباطی با کمال دین ندارد. و به عکس کمال دین در گرو مشخص شدن وضعیت رهبری جامعه پس از رحلت پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله است که در واقعه غدیر انجام پذیرفت و اعلام دوستی با علی علیه السلام با تمام ارزشی که دارد، ارتباطی با کامل شدن دین خدا از

۱- . الکافی، ج ۲، ص ۱۸

۲- . همان، ج ۱، ص ۲۸۹

ص: ۷۸

هر جهت ندارد. از این رو پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در پی نزول آیه اکمال دین فرمود:

«اللّٰهاکبر! اللّٰهاکبر علی اکمال الـدین و اتمام النعمـهٔ و رضا الرّب برسالتی و الولایـهٔ لعلی من بعـدی» (۱) ۱۲۰. و در این جمله ولاـیت علی علیه السـلام در طـول رسـالت پیـامبر اسـلام صـلی الله علیه و آله طرح شـده که خود تأکیـدی دیگر بر مفهوم رهـبری برای واژه ولایت است.

۱- . اعلام الوری، ج ۱، ص ۲۶۳؛ تفسیر مجمع البیان، ج ۳، ص ۲۶۴

ص: ۷۹

منابع و مآخذ

۱- قرآن کریم

۲- الارشاد فی معرفهٔ حجج اللّٰه علی العباد، محمد بن محمد معروف به شیخ مفید، ترجمه سید هاشم رسولی محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۰ ه ش.

۳- اعلام الوری باعلام الهدی، فضل بن حسن طبرسی، تحقیق و نشر موسسه آل البیت، ۱۴۱۷ ه. ق.

۴- الاتقان فی علوم القرآن، جلال‌الدین سیوطی، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، قم، منشورات رضی، بیدار، عزیزی، ۱۳۶۳ ه. ش.

۵- اسد الغابهٔ فی معرفهٔ الصحابهٔ، عزالدین بن الاثیر، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۹ ه. ق.

۶- انوار التنزیل و اسرار التأویل، عبداللّٰه بن عمر ... بیضاوی، بیروت، دارالکتب العلمیهٔ، ۱۴۰۸ ه. ق.

۷- البرهان فی تفسیر القرآن، سید هاشم بحرانی، قم، موسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، ۱۳۷۰ ه. ق

۸- البرهان فی علوم القرآن، محمد بن عبداللّٰه زرکشی،

ص: ۸۰

بیروت، دارالمعرفهٔ، ۱۳۹۱ ه. ق.

۹- بررسی شخصیت اهل بیت علیهم السلام در قرآن به روش قرآن به قرآن، ولی اللّه نقی پور، مرکز آموزش مدیریت دولتی، ۱۳۷۷ ه. ش.

۱۰- بحار الانوار الجامعهٔ لدرر أخبار الائمهٔ الاطهار، محمدباقر مجلسی، بیروت، دارالوفاء، ۱۴۰۳ ه. ق.

۱۱- البحرالمحیط فی التفسیر، محمد بن یوسف معروف به ابوحیان توحیدی، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۲ ه. ق.

۱۲- البیان الجلی فی افضلیهٔ مولی امیرالمؤمنین، ابن رویش، تحقیق سید مهدی رجایی، بیروت دارالثقلین، ۱۴۱۵ ه. ق.

۱۳- پیام قرآن، آیهٔ اللّه مکارم شیرازی و همکاران، قم، انتشارات نسل جوان، ۱۳۷۴ ه. ش.

۱۴- پژوهشی در نظم قرآن، عبدالهادی فقهی زاده، نشرجهاد دانشگاهی، ۱۳۷۴ ه. ش.

۱۵- تاریخ قرآن، محمودرامیار، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۲ ه. ش.

۱۶- تفسیر القمی، علی بن ابراهیم قمی، قم، مؤسسه دارالکتاب، ۱۳۶۷ ه. ش.

۱۷- تفسیر العیاشی، محمد بن مسعود عیاشی، بیروت، موسسهٔ الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۱ ه. ق.

۱۸- تفسیر المراغی، احمدمصطفی مراغی، بیروت، دارالفکر، بی تا.

۱۹- تفسیر هدایت، سید محمد تقی مدرسی، ترجمه عبدالمحمد آیتی، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی،

ص: ۸۱

۱۳۷۷ ه. ش.

۲۰- التبیان الجامع لعلوم القرآن، محمدبن حسن طوسی، بیروت، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

۲۱- تفسیر القرآن الحکیم مشهور به تفسیر المنار، شیخ محمد عبده و سید محمدرشید رضا، بیروت، دارالفکر، بی تا.

۲۲- التفسیر الکاشف، محمد جواد مغنیه، بیروت، دارالعلم للملایین، ط ۳، ۱۹۸۰ م.

۲۳- تفسیر کاشف، سید محمد باقر حجتی و عبدالکریم بی آزار شیرازی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۶ ه. ش.

۲۴- تفسیر القرآن العظیم، اسماعیل بن کثیر دمشقی، بیروت، دارالمعرفهٔ، ۱۴۰۹ ه. ق.

۲۵- تاریخ الیعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، بیروت، دارصادر، بی تا.

۲۶- تاریخ الطبری، محمد بن جریرالطبری، بیروت، دار التراث العربی، ۱۳۷۸ ه. ق.

۲۷- تفصیل وسائل الشیعهٔ الی تحصیل مسائل الشریعهٔ، محمد بن الحسن (الحرالعاملی) تهران، کتابفروشی اسلامیه، ۱۳۶۷ ه. ش.

۲۸- تهذیب التهذیب، احمد بن علی ... عسقلانی، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۴ ه. ق.

۲۹- الجامع لاحکام القرآن، محمد بن احمد انصاری، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۵.

۳۰- جوامع الجامع، فضل بن حسن طبرسی، بیروت، دارالاضواء، ۱۴۱۲ ه. ق.

ص: ۸۲

۳۱- الجواهر الحسان فی تفسیر القرآن، عبدالرحمن ثعالبی، بیروت، المکتبهٔ العصریه، ۱۴۱۷ ه. ق.

۳۲- خصائص امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب معروف به خصائص نسایی، احمد بن شعیب نسایی، تحقیق سید جعفر حسینی، قم، دارالثقلین، ۱۴۱۹ ه. ق.

۳۳- الدرالمنثور فی التفسیر بالمأثور، جلال الدین سیوطی، منشورات مکتبهٔ آیت‌اللّٰه مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ ه. ق.

۳۴- روح المعانی فی تفسیر القرآن و السبع المثانی، محمود آلوسی بغدادی، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۵ ه. ق.

۳۵- السیرهٔ النبویهٔ معروف به سیره ابن هشام، محمد بن هشام، بیروت، دارالقلم، بی تا.

۳۶- سنن ترمذی (الجامع الصحیح)، محمدبن عیسی ترمذی، بیروت، دارالکتب العلمیهٔ، بی تا.

۳۷- سنن دارمی، عبداللّٰه بن عبدالرحمن، نشر استانبول، ۱۴۰۱ ه. ق.

۳۸- سنن ابن ماجه، محمد بن یزید قزوینی، بیروت، دارالکتب العلمیهٔ، بی تا.

۳۹- سنن النبی، به اهتمام کاظم مدیر شانه‌چی، انتشارات بنیاد پژوهش‌های اسلامی، بی تا.

۴۰- سیرهٔ المصطفی، هاشم معروف حسنی، قم، منشورات رضی، ۱۴۱۳ ه. ق.

۴۱- شواهد التنزیل لقواعد التفضیل فی ...، عبیداللّٰه بن عبداللّٰه معروف به حاکم حسکانی، تحقیق محمد باقر محمودی، بیروت، موسسهٔ الاعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۳ ه. ق.

ص: ۸۳

۴۲- صحیح بخاری، محمدبن اسماعیل بخاری، بیروت، دارالقلم، ۱۴۰۷ ه. ق.

۴۳- صحیح مسلم، مسلم بن حجاج، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۳۷۶ ه. ق.

۴۴- الصافی فی تفسیر القرآن، محمدبن مرتضی (فیض کاشانی)، دارالکتب الاسلامیهٔ، ۱۳۷۷ ه. ش.

۴۵- الغدیر فی الکتاب و السنهٔ والادب، عبدالحسین امینی، ترجمه محمد تقی واحدی، کتابخانه بزرگ اسلامی، بی‌تا.

۴۶- غرائب القرآن و رغائب الفرقان، نظام الدین نیشابوری، بیروت، دارالکتب العلمیهٔ، ۱۴۱۶ ه. ق.

۴۷- فتح القدیر الجامع بین فنّی الدرایهٔ و الروایهٔ، محمد علی شوکانی، بیروت، دارالمعرفهٔ، بی تا.

۴۸- فرازهایی از تاریخ اسلام، جعفر سبحانی، نشر مشعر، ۱۳۷۵ ه. ش.

۴۹- القرآن الکریم و روایات المدرستین، سید مرتضی عسکری، تهران، المجمع العلمی الاسلامی، ۱۴۱۵ ه. ق.

۵۰- الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، تحقیق علی اکبر غفاری، تهران، دارالکتب الاسلامیهٔ، ۱۳۶۳ ه. ش.

۵۱- الکشاف عن غوامض التنزیل و ... جاراللّٰه محمود زمخشری، بیروت، دارالکتاب العربی، ۱۴۰۷ ه. ق.

۵۲- لباب التأویل فی معانی التنزیل معروف به تفسیر خازن، علاء الدین علی بن محمد مشهور به خازن، بیروت، دارالکتب العلمیهٔ، ۱۴۱۵ ه. ق.

۵۳- مجمع البیان لعلوم القرآن، فضل بن حسن طبرسی، بیروت، دارالمعرفهٔ، ۱۴۰۸ ه. ق.

ص: ۸۴

۵۴- المیزان فی تفسیر القرآن، سید محمد حسین طباطبایی، بیروت، موسسهٔ الاعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۳ ه. ق.

۵۵- معانی القرآن، محمدباقر بهبودی، چاپخانه اسلامیه، ط ۲، ۱۳۷۲ ه. ش.

۵۶- مفاتیح الغیب، محمد بن عمر معروف به فخر رازی، قم، مکتبهٔ الاعلام الاسلامی، ۱۴۱۳ ه. ق.

۵۷- مدارک التنزیل و حقایق التأویل معروف به تفسیر نسفی، عبداللّه بن احمد نسفی، بیروت، دارالنفائس، ۱۴۱۶ ه. ق.

۵۸- معالم التنزیل معروف به تفسیر بغوی، حسین بن مسعود مشهور به فرّاء بغوی، بیروت، دارالمعرفهٔ، ۱۴۱۵ ه. ق.

۵۹- من لایحضره الفقیه، ابوجعفر محمد بن علی معروف به شیخ صدوق، بیروت، دارالاضواء، ۱۴۰۵ ه. ق.

۶۰- معانی الاخبار، ابوجعفر محمد بن علی، بیروت، دارالمعرفهٔ، ۱۳۹۹ ه. ق.

۶۱- مسند احمد بن حنبل، احمد بن حنبل، اردن، بیت الافکار الدولیهٔ، ۲۰۰۵ م.

۶۲- المستدرک علی الصحیحین، محمد بن عبداللّه معروف به حاکم نیشابوری، بیروت، دارالفکر، ۱۴۲۲ ه. ق.

۶۳- المعجم الاوسط، سلیمان بن احمد طبرانی، ریاض، مکتبهٔ المعارف، ۱۴۰۵ ه. ق.

۶۴- نورالثقلین، عبدعلی بن جمعه، به تصحیح و تعلیق سید هاشم رسولی محلاتی، قم، مطبعهٔ الحکمهٔ ۱۳۸۲ ه. ق. (۱) ۱۲۱

پی نوشت ها

۱- دکتر مجید معارف، غدیر در پرتو کتاب و سنت، ۱جلد، نشر مشعر - تهران، چاپ: ۲، تابستان ۱۳۸۸.

ص: ۸۵

۱ (۱). مسلم در حدیثی از قول جابر بن عبداللّه انصاری درباره حج رسول‌خدا صلی الله علیه و آله در سال دهم آورده است:« ثمّ أذّن فی الناس فی العاشرهٔ؛ انّ رسول اللّه صلی الله علیه و آله حاجّ. فقدم المدینهٔ بشر کثیر. کلّهم یلتمس أن یأتمّ برسول اللّه ویعمل مثل عمله.» نک: صحیح مسلم، ج ۲، ص ۸۸۶: باب حجّهٔ النبی صلی الله علیه و آله ونیز بنگرید به سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۰۲۲-۱۰۲۶ تاریخ الطبری، ج ۳، ص ۱۴۸

۲ (۱). در خصوص وحدت نیّت علی علیه السلام با پیامبر صلی الله علیه و آله در حجّهٔالوداع بنگرید به‌صحیح بخاری، ج ۲، ص ۶۵۰، الکافی، ج ۴، ص ۲۴۶، تاریخ طبری، ج ۳، ص ۱۴۹؛ طبق پاره‌ای از روایات، پیامبر صلی الله علیه و آله از مدینه صد شتر به همراه آورد که از این تعداد ۳۴ رأس را به نیّت علی علیه السلام و ۶۶ رأس را به نیّت خود آورده بود. بنگرید به من لا- یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۵۳. سنن النبی، ج ۸، ص ۵۹، وسائل الشیعهٔ، ج ۸، ص ۱۶۴، تاریخ طبری، ج ۳، ص ۱۴۹ سیره ابن هشام، ج ۴، ص ۲۴۹

۳ (۱). جهت اطلاع از این خطبه بنگرید به صحیح مسلم، ج ۲، ص ۸۸۹- ۸۹۰ و سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۰۱۵ و ۱۰۱۶، تاریخ طبری، ج ۳، ص ۱۵۰- ۱۵۲. السیرهٔالنبویهٔ معروف به سیره ابن هشام، ج ۴، ص ۲۵۰

۴ (۱). المائده: آیه ۶۷

۵ (۲). ارشاد شیخ مفید، ج ۱، ص ۲۳۵- ۲۳۷، با اندکی تلخیص. و نیز بنگرید به: اعلام الوری، ج ۱، صص ۲۵۹- ۲۶۳؛ سیرهٔ المصطفی، ص ۶۹۳: مبحث غدیرخم

۶ (۱). المائده: آیه ۳

۷ (۱). برای اطلاع بیشتر از اصل واقعه غدیر در تاریخ اسلام و نیز اطلاع از خطابه رسول خدا صلی الله علیه و آله در آن روز- به اجمال یا تفصیل- بنگرید به مسند احمد بن حنبل احادیث به رقم‌های ۶۴۱، ۹۵۰، ۹۶۱، ۹۶۴، ۱۹۴۹۴، ۱۸۶۷۱، خصائص نسایی، ص ۲۶، و ۱۱۷ احادیث به رقم‌های ۹ و ۷۹، مستدرک حاکم، ج ۳، ص ۳۲۳، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۰۱ اسدالغابه ابن اثیر جزری، ج ۳، ص ۶۰۵، تفسیر قمی، ج ۱، ص ۱۷۴- ۱۷۵، ارشاد مفید، ج ۱، ص ۲۳۵- ۲۴۲، سیرهٔ المصطفی، ص ۶۹۳ به نقل از مصادر گوناگون اهل سنّت، تفسیر صافی، ج ۲، ص ۴۴۷- ۴۶۶ به نقل از الاحتجاج والغدیر، ج ۱، ص ۳۱- ۳۴ با ترجمه فارسی

ص: ۸۶

۸ (۱). الغدیر، ج ۱، ص ۴۰- ۱۱۲

۹ (۲). همان جا، ج ۱، ص ۱۱۳- ۱۲۸

۱۰ (۳). الغدیر، ج ۱، صص ۱۲۹- ۲۴۰

۱۱ (۱). فرازهایی از تاریخ اسلام، ص ۵۱۴

۱۲ (۲). همان، ص ۵۱۵

۱۳ (۱). الغدیر، ج ۱، ص ۱۴۱- ۱۴۸

۱۴ (۲). همان، ج ۱، ص ۱۴۱ و نیز تهذیب التهذیب، ج ۷، ص ۲۹۷

۱۵ (۱). تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۳۶۰

۱۶ (۱). مجمع البیان، ج ۳، ص ۳۴۴ و نیز نک: شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۱۸۷- ۱۹۳ در روایات مختلف

۱۷ (۲). مجمع البیان: ج ۳، ص ۳۴۴

۱۸ (۳). المائده: آیه ۳

۱۹ (۱). تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۳۲۱

۲۰ (۲). مجمع البیان، ج ۳، ص ۲۴۶

۲۱ (۳). برای اطلاع بیشتر از این نکات بنگرید به: مجمع البیان، ج ۳، ص ۳۴۴، جوامع الجامع، ج ۱، ص ۳۵۰، تفسیر المیزان، ج ۶، صص ۴۲- ۵۲؛ التفسیر الکاشف، ج ۳، ص ۹۶- ۹۹؛ پیام قرآن، ج ۹، ص ۱۹۰، تفسیر هدایت، ج ۲، ص ۳۶۷- ۳۶۹؛ بررسی شخصیت اهل بیت علیهم السلام در قرآن، ص ۱۳۱

۲۲ (۱). التفسیر الکاشف، ج ۱، ص ۹۶

۲۳ (۲). همان، ج ۱، ص ۹۷، جوامع الجامع، ج ۱، ص ۳۵۰

۲۴ (۳). از جمله بنگرید به تفسیر تبیان شیخ طوسی، ج ۱، ص ۴۱۳؛ تفسیرالقرآن العظیم، ج ۲، ص ۸۱

۲۵ (۱). تفسیر القرآن العظیم، ج ۲، ص ۸۰

۲۶ (۲). در این باره در مباحث بعد بحث بیشتری از نظر خواهد گذشت

ص: ۸۷

۲۷ (۱). صورت‌های گوناگون این حدیث را بنگرید در: مسند احمدبن حنبل‌به رقم‌های ۶۴۱، ۹۵۰، ۹۶۴ و .. مستدرک حاکم، ج ۳، ص ۳۲۳، خصائص نسایی به رقم‌های ۹ و ۷۹، اسد الغابهٔ، ج ۳، ص ۶۰۵ و ..

۲۸ (۱). امام باقر علیه السلام می‌فرماید: فرائض الهی یکی پس از دیگری نازل‌می‌شد و آخرین فریضه، امر ولایت بود که خداوند درباره آن نازل فرمود:« الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتْمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي». امام علیه السلام سپس اضافه کرد: در واقع خداوند می‌فرماید: بعد از این، واجب و فریضه دیگری نازل نخواهم کرد چون(نزول) واجبات را برای شما کامل ساختیم. بنگرید به الکافی، ج ۱، ص ۲۸۹ تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۳۲۲

۲۹ (۱). تفسیر معالم التنزیل، ج ۲، ص ۵۱- ۵۲

۳۰ (۲). تفسیر مفاتیح الغیب، ج ۱۲، ص ۵۰

۳۱ (۱). تفسیر مفاتیح الغیب، ج ۱۲، ص ۵۰

۳۲ (۲). تفسیر المنار، ج ۶، ص ۴۶۷

۳۳ (۱). از جمله بنگرید به تفسیر المنار، ج ۶، ص ۴۶۵، روح المعانی، ج ۶، ص ۱۹۴- ۱۹۵

۳۴ (۱). تفسیر القرآن العظیم، ج ۲، ص ۸۱ تفسیر مراغی، ج ۲، ص ۱۶۰

۳۵ (۲). تفسیر القرآن العظیم، ج ۲، ص ۸۱

۳۶ (۱). ثعالبی، قرطبی و شوکانی در تفاسیر خود نوشته‌اند:« هذه السورهٔمدنیهٔ بالاجماع»، بنگرید به الجواهر الحسان، ج ۱، ص ۴۰۴، الجامع لأحکام القرآن، ج ۶، ص ۳۰، فتح القدیر، ج ۲، ص ۳

۳۷ (۲). تفسیر تبیان، ج ۱، ص ۴۳۳

۳۸ (۳). از جمله بنگرید به تفسیر البحر المحیط، ج ۴، ص ۳۲۳؛ تفسیرمعالم التنزیل، ج ۲، ص ۵، تفسیر المراغی، ج ۲، ص ۱۶۰

۳۹ (۱). تفسیر القرآن العظیم، ج ۱، ص ۸۱

۴۰ (۲). همان

۴۱ (۱). سوره حجر، آیات ۹۴- ۹۶

۴۲ (۲). تفسیر القرآن العظیم، ج ۲، ص ۵۷۹

۴۳ (۱). تفسیر القرآن العظیم، ج ۲، ص ۵۸۰

۴۴ (۲). الجواهر الحسان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۴۳۹

۴۵ (۱). تفسیر مفاتیح الغیب، ج ۱۲، ص ۵۰

ص: ۸۸

۴۶ (۲). تفسیر البحر المحیط، ج ۴، ص ۳۲۱ و نیز بنگرید به معالم التنزیل، ج ۲، ص ۵۱ تفسیر الخازن(باب التأویل)، ج ۲، ص ۶۲

۴۷ (۳). تفسیر البحر المحیط، ج ۴، ص ۳۲۱

۴۸ (۱). از جمله بنگرید به مجمع البیان، ج ۳، ص ۳۴۴؛ غرائب القرآن‌نیشابوری، ج ۲، ص ۶۱۶؛ فتح القدیر، ج ۲، ص ۶۰

۴۹ (۲). سوره بقره آیه ۸۹ درباره این یهودیان می‌فرماید:« وَ لَمَّا جاءَهُمْ کِتابٌ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ مُصَدِّقٌ لِما مَعَهُمْ وَ کانُوا مِنْ قَبْلُ یَسْتَفْتِحُونَ عَلَی الَّذِینَ کَفَرُوا فَلَمَّا جاءَهُمْ ما عَرَفُوا کَفَرُوا بِهِ فَلَعْنَةُ اللَّهِ عَلَی الْکافِرِینَ»

۵۰ (۱). سیره ابن هشام، ج ۲، صص ۱۴۷- ۱۵۰

۵۱ (۲). بنگرید به: سوره احزاب، آیات ۲۶ و ۲۷؛ سوره حشر: آیه ۲، نیزسیره ابن هشام، ج ۳، ص ۲۴۴ و ۳۴۲، تاریخ طبری، ج ۳، ص ۹- ۲۱، سیرة المصطفی، ص ۵۱۳ و ۵۴۷

۵۲ (۳). سوره آل عمران: آیه ۶۱، معروف به آیه مباهله، نیز بنگرید به تفسیر همین آیه در تفسیر القرآن العظیم، ج ۱، ص ۳۷۵، مجمع‌البیان، ج ۲، ص ۷۶۲ و شواهدالتنزیل، ص ۱۲۰- ۱۲۹

۵۳ (۱). المیزان، ج ۶، ص ۴۳

۵۴ (۲). از جمله آیه ۶۱ سوره بقره که می‌فرماید:« وَضُرِبَتْ عَلَیْهِمُ الذِّلَّةُوَالْمَسْکَنَةُ وَباؤُ بِغَضَبٍ مِنَ اللَّهِ» و نظیر آن: سوره آل عمران: آیه ۱۱۲

۵۵ (۳). از جمله بنگرید به آیات ۱۵۳ الی ۱۶۱ از سوره نساء، آیات ۶۳ به‌بعد از سوره مائده و سوره توبه آیات ۳۰ و ۳۱

۵۶ (۴). التوبه: آیه ۲۹

۵۷ (۱). القرآن الکریم و روایات المدرستین، ج ۱، ص ۲۱۳ و تاریخ قرآن، دکتر رامیار، ص ۵۷۴

۵۸ (۲). بنگرید به: مجمع البیان، ج ۳، ص ۳۴۴؛ تفسیر نورالثقلین، ج ۱، صص ۶۵۱- ۶۵۸ در روایات مختلف و نیز از مفسران اهل سنت بنگرید به: تفسیر فتح القدیر، ج ۱، ص ۶۰؛ تفسیر غرائب القرآن، ج ۲، ص ۶۱۶، شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۱۸۷- ۱۹۳

۵۹ (۱). بنگرید به تفسیر معالم التنزیل، ج ۲، ص ۵۲

۶۰ (۲). الغدیر، ج ۲، صص ۸۸- ۱۱۴ که با استفاده از ۳۰ مأخذ این مطلب راتحقیق کرده است

۶۱ (۳). تفسیر غرائب القرآن، ج ۲، ص ۶۱۶ و نیز بنگرید به تفاسیر الدرالمنثور، ج ۲، ص ۲۹۸، فتح القدیر، ج ۲، ص ۶۰، روح المعانی، ج ۶، ص ۱۹۴، مفاتیح الغیب، ج ۱۲، ص ۵۰

ص: ۸۹

۶۲ (۱). مقصود از حکم تخییر، آیات ۲۸ به بعد از سوره احزاب است که در آن رسول خدا صلی الله علیه و آله همسران خود را بین طلاق و بهره‌برداری از زندگانی دنیا و نیز اختیار خدا و رسول و پیشه‌سازی قناعت مخیّر ساخت

۶۳ (۲). تفسیر مفاتیح الغیب، ج ۱۲، ص ۴۹؛ تفسیر معالم التنزیل، ج ۲، ص ۵۲

۶۴ (۱). الغدیر، ج ۲، صص ۱۰۹- ۱۱۳

۶۵ (۲). از جمله بنگرید به، الکافی، ج ۱، ص ۴۰۳؛ صحیح مسلم، ج ۲، ص ۸۸۹- ۸۹۰، سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۰۱۵، سنن ترمذی، ج ۵، ص ۳۴؛ سنن دارمی، ج ۱، ص ۷۴، سیره ابن هشام، ج ۴، ص ۲۵۰ و تاریخ طبری، ج ۳، ص ۱۵۰- ۱۵۲

۶۶ (۱). الکافی، ج ۱، ص ۲۸۹، تفسیر القمی، ج ۱، ص ۱۶۲، مجمع البیان، ج ۳، ص ۲۴۶، شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۱۵۶- ۱۶۰ و نیز بنگرید به الغدیر، ج ۲، صص ۱۱۵- ۱۳۷

۶۷ (۱). تفسیر المنار، ج ۶، ص ۴۶۵ با اندکی تلخیص

۶۸ (۱). مسند احمد بن حنبل، ج ۵، ص ۳۵۵ حدیث ۲۳۴۰۰ و نیز بنگرید به همین کتاب، ج ۵، ص ۳۵۰، ۳۵۱

۶۹ (۲). سنن ترمذی، ج ۵، ص ۵۹۷

۷۰ (۱). همانجا، ج ۵، ص ۵۹۰- ۵۹۱، با اندکی تلخیص، مستدرک حاکم، ج ۳، ص ۳۲۴، اسدالغابهٔ، ج ۳، ص ۶۰۴

۷۱ (۲). مستدرک حاکم، ج ۳، ص ۳۴۶

۷۲ (۱). مسند احمد بن حنبل، ج ۵، ص ۳۴۸، مستدرک حاکم ج ۳، ص ۳۲۴، خصائص، ص ۱۵

۷۳ (۲). مسند احمد بن حنبل، ج ۵، ص ۳۶۰

۷۴ (۱). المعجم الاوسط، ج ۶، ص ۱۶۲

۷۵ (۱). در توضیح تناسب استطرادی باید گفت: این تناسب در جایی است که قرآن ضمن بیان یک مساله اصلی بنابر مصالحی رشته کلام را قطع کرده و مطلب جدیدی به ذهن مخاطب خود القا می‌کند، سپس مجدداً به کلام قبلی بازگشته و آن را ادامه می‌دهد، در عین حال کلام استطرادی با کلام اصلی دارای نوعی رابطه و پیوند است. به عنوان مثال به عقیده زمخشری آیه شریفه:« یا بنی آدم قد انزلنا علیکم لباساً یواری سوادکم و ریشا ...»(الاعراف، ۲۶)- که در آن از نعمت لباس سخن رفته است- کلامی بر سبیل استطراد است. زیرا کلام اصلی در اوایل سوره اعراف درباره سرگذشت آدم و حوا، تخلّف آنها در خوردن از درخت ممنوعه و در نتیجه افتادن لباس از اندام آن‌ها و تلاش جهت پوشاندن خود با برگهای درختان است. در چنین فضایی سخن از نعمت لباس برای بنی‌آدم از باب تناسب استطرادی وارد شده که بی ارتباط با زمینه اصلی کلام هم نمی‌باشد. و از این گونه موارد می‌توان به وجود آیه« لن یستنکف المسیح ان یکون عبداً للّه ...»(النساء، ۱۷۲) در بین آیات مربوط به تخطئه نصاری در غلوّ آنان نسبت به حضرت مسیح اشاره کرد. تفصیل را نک: الاتقان، ج ۳، ص ۳۷۳، کشاف، ج ۲، ص ۹۷، البرهان، ج ۱، ص ۴۱

۷۶ (۱). تفسیر هدایت، ج ۲، ص ۳۶۷، با عنوان: ولایت قلّه رفیع ایمان

ص: ۹۰

۷۷ (۱). این موضوع تقریباً مورد اجماع روایات و دیدگاه‌های مفسران قرار دارد. از جمله بنگرید به الکشاف، ج ۱، ص ۶۴۹، معالم التنزیل، ج ۲، ص ۴۹، تفسیر القرآن العظیم، ج ۲، ص ۷۴، مدارک التنزیل، ج ۱، ص ۴۱۸، التبیان، ج ۳، ص ۵۵۹ و نیز بحار الانوار، ج ۳۵، ص ۱۸۳- ۲۰۶

۷۸ (۱). بنگرید به سوره اعراف آیه ۱۵۷ با فراز:« یَجِدُونَهُ مَکْتُوباً عِنْدَهُمْ فِی‌التَّوْراةِ وَالْإِنْجِیلِ» و سوره بقره آیه ۱۴۶ و سوره انعام آیه ۲۰ که می‌فرماید:« الَّذِینَ آتَیْناهُمُ الْکِتابَ یَعْرِفُونَهُ کَما یَعْرِفُونَ أَبْناءَهُمْ وَ ...»

۷۹ (۱). تفسیر کاشف، ج ۳، ص ۱۵۲

۸۰ (۱). المائده: آیه ۵۵

۸۱ (۲). معانی‌القرآن، ج ۱، ص ۱۱۸ و نیز بنگرید به پژوهشی در نظم قرآن، ص ۱۰۹

۸۲ (۳). تفسیر کاشف، ج ۳، ص ۱۵۸

۸۳ (۱). در آیه ۴۴ سوره نحل خداوند می‌فرماید:« وَ أَنْزَلْنا إِلَیْکَ الذِّکْرَ لِتُبَیِّنَ‌لِلنَّاسِ ما نُزِّلَ إِلَیْهِمْ» یعنی:(ای رسول ما) این ذکر(قرآن) را بر تو فرستادیم تا برای مردم آنچه نازل شده تبیین نمایی. و در سوره جمعه نیز خداوند با بیان:« ... یتلوا علیهم آیاته و یزکّیهم ویعلمهم الکتاب والحکمهٔ و ..» در ارتباط با قرآن از دو شأن پیامبر صلی الله علیه و آله پرده برمی‌دارد که عبارتند از: الف: تلاوت آیات الهی برای مردم، ب: تعلیم حقایق کتاب و حکمت برای آنان

۸۴ (۲). تفسیر القرآن العظیم، ج ۱، ص ۴

۸۵ (۳). البقره، آیه ۴۳

۸۶ (۴). همان، آیه ۱۹۶

۸۷ (۵). الاحزاب، آیه ۳۳

۸۸ (۱). النساء، آیه ۵۹

۸۹ (۱). الکافی، ج ۱، ص ۲۸۷

۹۰ (۱). از جمله بنگرید به الکشاف، ج ۴، ص ۶۷۰، مفاتیح الغیب، ج ۳۰، ص ۲۴۴، انوار التنزیل، ج ۲، ص ۵۵۲ و مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۶۱۱

۹۱ (۲). المائده، آیه ۵۵

ص: ۹۱

۹۲ (۱). الکشاف، ج ۱، ص ۶۴۹ و نیز بنگرید به مدارک التنزیل و حقایق التأویل، ج ۱، ص ۴۱۸

۹۳ (۱). البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۳۰۹ ذیل تفسیر آیه نجوی، ضمناً تفصیل این فضائل هفتادگانه را بنگرید به کتاب البیان الجلی فی أفضلیهٔ مولی أمیرالمؤمنین، ص ۲۳۰ با عنوان: الفضائل السبعین التی تفرّد بها علی ولیس لاحدٍ فیها نصیب

۹۴ (۲). صحیح مسلم، ج ۴، ص ۱۸۷۱

۹۵ (۱). سنن ترمذی، ج ۵، ص ۵۲۲

۹۶ (۲). همان، ص ۵۹۳

۹۷ (۱). التفسیر الکاشف، ج ۳، ص ۹۷

۹۸ (۲). بنگرید به: الغدیر، ج ۲، صص ۳۷۰ و ۳۷۱، به نقل از شرح ابن‌ابی‌الحدید

۹۹ (۱). السیرهٔ النبویهٔ، ج ۴، ص ۳۰۰، تاریخ الیعقوبی، ج ۲، ص ۱۱۳ و سیرهٔ المصطفی، ص ۷۰۵- ۷۱۰ با عنوان: جیش اسامه

۱۰۰ (۲). صحیح مسلم، ج ۴، ص ۱۸۷۱، السیرهٔ النبویهٔ، ج ۴، ص ۱۶۳، تاریخ الطبری، ج ۳، ص ۱۰۴، ارشاد مفید، ج ۱، ص ۲۰۶

۱۰۱ (۱). المائده: آیه ۵۱

۱۰۲ (۲). تفسیر المنار، ج ۶، ص ۴۶۵

۱۰۳ (۱). الغدیر، ج ۲، صص ۳۳۹- ۳۶۴ تحت عنوان: قرائن معیّنهٔ

۱۰۴ (۲). الکشاف، ج ۴، ص ۴۷۶

۱۰۵ (۱). مجمع البیان، ج ۹، ص ۳۵۵

۱۰۶ (۲). بنگریدبه: الغدیر، ج ۲، ص ۲۹۷- ۳۰۱ با عنوان مفعل به معنای افعل

۱۰۷ (۳). التوبه: آیه ۷۱

۱۰۸ (۴). الحجرات: آیه ۱۰

۱۰۹ (۱). الغدیر، ج ۲، ص ۳۴۰، با نقل از ۶۴ نفر از بزرگان اهل سنت

۱۱۰ (۲). احزاب، ۶

۱۱۱ (۱). معانی الاخبار، ص ۶۵، معنی قول النبی صلی الله علیه و آله:« من کنت مولاه فعلی مولاه»

۱۱۲ (۲). الغدیر، ج ۲، ص ۳۴۱

۱۱۳ (۱). تفسیر مفاتیح الغیب، ج ۱۲، ص ۵۰

۱۱۴ (۲). ارشاد مفید، ج ۱، ص ۲۳۸

۱۱۵ (۱). اعلام الوری، ج ۱، ص ۲۶۳، ارشاد مفید، ج ۱، ص ۲۴۰

۱۱۶ (۲). سیوطی، ج ۲، ص ۲۹۸ و نیز تفسیر فتح القدیر شوکانی، ج ۱، ص ۶۰

۱۱۷ (۳). الدرالمنثور، ج ۲، ص ۲۹۸ و نیز بنگرید به: القرآن الکریم و روایات المدرستین، ج ۲، ص ۱۹۱

۱۱۸ (۱). الکافی، ج ۲، ص ۱۸

۱۱۹ (۲). همان، ج ۱، ص ۲۸۹

۱۲۰ (۱). اعلام الوری، ج ۱، ص ۲۶۳؛ تفسیر مجمع البیان، ج ۳، ص ۲۶۴

۱۲۱ دکتر مجید معارف، غدیر در پرتو کتاب و سنت، ۱جلد، نشر مشعر - تهران، چاپ: ۲، تابستان ۱۳۸۸.

درباره مرکز

بسم الله الرحمن الرحیم

جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الأعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : -۶۲۱-۰۶۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-۰۱-IR۹۰ ۵۳-۰۶۰۹به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».


قائمیه
اصفهان
مرکز تحقیقات رایانه‌ای


www